

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشگاه شیخ بهائی
غیردولتی - غیرانتفاعی

جامع
شیخ بهائی

مجله داخلی دانشگاه شیخ بهائی - فرهنگ دانشگاهی - سال دوم - شماره پنجم - بهار ۹۳

سال اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی



علمی - فرهنگی - مذهبی - ادبی و...





سال اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی



امام خمینی:

هر اصلاحی نقطه اولش خود انسان است. اگر چنانچه
خود انسان تربیت نشود نمی تواند دیگران را تربیت کند .



مقام معظم رهبری:

کتاب یکی از ارزشمندترین فرآورده‌های بشری و گنجینه‌ی
بزرگترین ثروت‌های بشر، یعنی دانش و تحقیق است.



بهار



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۳	شيخ بهائي تقسيم آب زاینده رود
۷	پیام وحی
۷	کلام معصوم
۹	چشم چرانی
۱۰	فرهنگ و ادیان
۱۲	« معیارهای ازدواج و انتخاب همسر »
۱۳	فقر حرکتی، عامل اصلی ناهنجاری‌های قامتی
۱۵	" بهار " و " عید نوروز " در آئینه ی شعر فارسی
۲۴	هفت سین مدیران
۲۷	معرفی کتاب (جهانگردی)
۲۸	مناسبتها در فصل بهار
۳۹	اخبار دانشگاه

عنوان مجله:

جامع شيخ بهائي (مجله داخلی دانشگاه شيخ بهائي)

بهار ۱۳۹۳

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

دکتر سید محمود خاتون آبادی؛ معاونت دانشجویی و فرهنگی

طراحی جلد و صفحه آرائی: فهیمه موسوی

نگارش، بررسی و نظارت: شورای سردبیری

رایانامه مجله:

Jshbu۱۳۹۲@gmail.com

jshbu@shbu.ac.ir

شیخ بهایی و تقسیم آب زاینده رود

مرتضی جعفری فشارکی*

چکیده:

ابعد گسترده تفکر دانشمند یکتا و نابغه بی‌همتا از واضعین مکتب الهی اصفهان، شیخ بهاء‌الدین عاملی معروف به شیخ بهایی که در همه رشته‌های علمی و فقهی و ادبی و کواکب و نجوم و علوم کیهانی و فلسفه و عرفان و حکمت، سرآمد زمان خود بوده و نهایت کوشش و ابداع را داشته است! مدت بیش از ۳۰ سال در دربار شاه عباس صفوی، شیخ الاسلام دربار و مورد وثوق پادشاه بود و مأموریت‌های علمی-کاربردی بسیاری از جمله تقسیم آب زاینده رود در حوضه آبریز گسترده‌ای در دشت اصفهان انجام داده، که بی‌شک مهارت شیخ را در فقه و فیزیک و ریاضی به اثبات می‌رساند.

در این نوشتار چگونگی تقسیم آب زاینده رود در طول بیش از ۲۰۰ کیلومتر نسبت به حقایق تعیین شده توسط شیخ و حل اختلافات طولانی بین روستاییان و نحوه برداشت آب و لایروبی مادیها با استناد به طوماری منسوب به شیخ بهایی را توضیح خواهیم داد.

کلید واژه: مادی، لت، میراب، طومار.

مقدمه:

فرهنگ و تمدن‌های قدیمی دنیا همیشه و همه‌جا در کنار آبها و به ویژه رودخانه‌ها پدید آمده است. تمدن‌های باستانی مصر در کنار نیل، سومر در کنار دجله و فرات، هند و پاکستان در کنار سند و چین در کنار رودخانه زرد به وجود آمده و همچنان به زندگی خود ادامه می‌دهند. اصولاً از آغاز پیدایش بشر، آب نقش تعیین‌کننده‌ای در زندگی او داشته و دارد. در حقیقت آب حلقه پیوند انسان با محیط بوده است. سکونتگاه‌های بشری در محیطی شکل می‌گرفت که آب مورد نیاز، در اختیار او بود و با پیشرفتهای بشری، انسانها به ارزش و اهمیت این ماده حیاطی و پیوندهای ناگسستی و محکم بین محیط، انسان و آب بیشتر واقف می‌گردند.

اصفهان به عنوان یکی از کانونهای بسیار مهم و قدیمی فرهنگ ایران در مطالعات تاریخ تمدن این سرزمین مطرح است. زمانی از فرهنگ و تمدن قدیمی سیلک (در کاشان) سخن به میان می‌آید که چشمه طبیعی فین، پیدایش آن را موجب گشته و زمانی دیگر سخن از شهر باستانی اصفهان گفته می‌شود که هسته‌های اولیه آن در کنار زاینده رود پا گرفته است. در هر حال، زندگی انسانهای اولیه این مرز و بوم بدون دسترسی به آب مقدور نبوده و شرط اصلی برای زندگی و استقرار سکونتگاهها را آب تعیین می‌کند. (شفقی؛ ۱۳۸۱، ۱۰۹).

زاینده رود

رودخانه زاینده رود یکی از بزرگترین رودخانه‌های فلات مرکزی ایران است که از ارتفاعات زردکوه بختیاری واقع در جنوب غربی اصفهان و از بخش شورآب تنگ‌گزی استان چهارمحال و بختیاری سرچشمه می‌گیرد و پس از طی بیش از سیصد و شصت کیلومتر از مغرب به مشرق، دشت‌ها و زمین‌های زراعی اصفهان را آبیاری و در نهایت به باتلاق گاوخونی که در ۱۴۰ کیلومتری جنوب شرقی شهر اصفهان واقع شده، فرو می‌رود. در قرن اخیر بخش عمده آب رودخانه کوه‌رنگ به وسیله تونل‌هایی به حوضه آبریز زاینده رود منتقل می‌گردد.

برای زاینده رود نمی‌توان سرچشمه واحدی را قایل شد زیرا این رودخانه در سرچشمه، از پیوستن چشمه‌های متعدد کوچک و بزرگ، تشکیل می‌گردد، که معروف‌ترین آنها، چشمه‌جانان و چهل چشمه و چشمه‌دیمه است. این چشمه‌ها اغلب در پای کوهستان زردکوه بختیاری قرار دارند. در گذر زمان اسامی دیگری مانند: زنده رود، زرین رود، زرینه رود، زندک رود و ... و رودخانه اصفهان به این رودخانه داده شده است. قابل ذکر است که زرینه رود، به یکی از شعبات مهم زاینده رود نیز اطلاق می‌شود. توجه به اسامی گوناگونی که در طول تاریخ به زاینده رود داده شده، ارزش اقتصادی آن را در یک منطقه خشک و کم‌آب به خوبی روشن می‌کند. (شفقی؛ ۱۳۸۱، ۱۱۵).

سهیمه‌بندی آب زاینده رود

اصولاً سهیمه‌بندی و تقسیم آب در مناطق مختلف، اجرای عدالت بوده، تا از قلدری و زورگویی‌های انسانهای هر زمان تا حدی جلوگیری شود. سهیمه‌بندی و تقسیم آب در مناطق و نواحی جغرافیایی متفاوت بوده، به‌طوری‌که نسبت به وسعت زمین و حاصلخیزی آن و یا جمعیت ساکن در آن

* - عضو هیئت علمی گروه مهندسی شهرسازی دانشگاه شیخ بهایی

توجه خاصی مبذول می شده است. چنین سنت‌هایی به مرور زمان به صورت قوانین و مقررات و عرف محلی در می‌آید و میدان عمل آنها نیز گسترده‌تر می‌شود.

نه تنها در آئین باستانی ایران و در دین مبین اسلام، بلکه در اغلب ادیان خداوندی به آب و آبیاری همیشه توجه شده است. اهمیت آب و جمع‌آوری آن و یا اعمال مدیریت در سهمیه‌بندی آن در مناطق گرم و خشکی چون ایران، بیشتر بوده و حتی به خاطر آن که مبادا آب گرانها تبخیر گردد و از دست انسانها خارج شود، آن را از زیر زمین و با حفر قنات (کاریز) به کشتزارها می‌رساندند. ایرانیان در حقیقت پیشگامان ابتکاراتی در این زمینه همچون حفر قنات و حتی زهکشی اراضی باتلاقی بوده‌اند. (راوندی؛ ۱۳۶۴، ۶۳۲).

آب زاینده‌رود از دوران بسیار قدیم، مورد استفاده نیاکان ما بوده و مدارکی درباره نظم و نسق و یا سهمیه‌بندی آب این رودخانه از خود به یادگار گذاشته‌اند و کوشش ما بر این است که تصویری جامع ولی کوتاه از آن به دست دهیم.

طومار شیخ‌بهایی و تقسیم آب زاینده‌رود

تقسیم آب زاینده‌رود در حوزه آبیاری این رودخانه، با نام دانشمند معروف عهد صفویه یعنی شیخ‌بهایی توأم است، زیرا اصولی که تقسیم آب زاینده‌رود بر آن استوار است به نام طومار شیخ‌بهایی معروف می‌باشد، لکن باید دانست که تقسیم آب زاینده‌رود بین بلوک‌های مختلف، از عصر صفویه شروع نمی‌گردد، بلکه تاریخ آن ریشه‌هایی بس کهن دارد. معروف است که اردشیر بابکان، اولین شخصی بوده که دستور تقسیم آب زاینده‌رود را می‌دهد و شخصی که در زمان اردشیر، به دستور او آب زاینده‌رود را تقسیم کرد مهرن‌وردان است. (محمودیان؛ ۱۳۴۸، ۹۵).

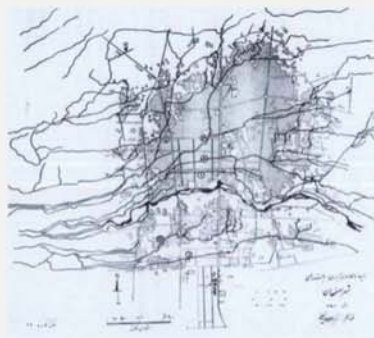
از نوشته‌های ابن‌حوقل در کتاب صورہ الارض که در حدود سال ۳۶۷ قمری آن را به رشته تحریر درآورده است، می‌توان چنین نتیجه گرفت که ده قرن قبل نیز آب زاینده‌رود با اصول و روش خاصی تقسیم می‌شده است و هر بلوکی نسبت به اوضاع و موقع جغرافیایی و شرایط زمان و مکان، حقا به داشته است.

از روزی که اصفهان به دستور شاه عباس به پایتختی انتخاب گردید، بر جمعیت شهری و روستایی منطقه به سرعت افزوده شد و این امر موجب گردید که زمین‌های بایر و لم‌یزرع، آباد گشته و زیر کشت درآمد تا غذای ساکنین و سایر مواد مورد نیاز کشاورزی تامین گردد، به طوریکه باغهای بزرگی در اندک مدتی احداث گردید و این امر موجب شد که روستاییان این منطقه با کمبود آب روبرو شوند، به ناچار می‌بایست آب رودخانه تحت قاعده و نظم جدیدی منطبق با وسعت زمین‌های زراعی و باغهای احداثی عصر صفویه، تقسیم گردد.

مسئولیت این موضوع به شیخ‌الاسلام دانشمند عصر صفویه، شیخ‌بهایی سپرده شد. نباید تصور کرد که اصول تقسیم آب زاینده‌رود کلاً از این دانشمند است بلکه محاسبه جدید و تایید و نظارت و تغییرات کوچکی که در عصر وی به‌وقوع پیوسته، به وسیله این دانشمند عملی گردیده‌است. نسخه منحصر به فرد طومار شیخ‌بهایی که به خط سیاق نوشته شده است در حال منسوخ شدن بود تا اینکه اداره کشاورزی اصفهان احساس کرد که باید طومار مزبور به خط و اعداد معمولی در آید، لذا طومار مزبور را بدون تاریخ چاپ نمود. بعدها شهرداری اصفهان هم نسخه قدیمی به خط سیاق و هم نسخه جدید به صورت اعداد معمولی طومار را چاپ و منتشر کرد.

در زمان صفویه تقسیم آب زاینده‌رود و نظارت بر آن از مناصب بسیار مهم بوده است تا ورنه سیاح فرانسوی در این باره می‌نویسد: "قحطی آب که در همه ایران عمومیت دارد، سبب شده است که در اداره تقسیم آب منتهای دقت به عمل آید و آب به قیمتی گران فروخته شود. منصب نظارت و مدیریت آنها یکی از مشاغل عمده و پر منفعت دربار است که به میراب معروف است و به شاه فایده بسیار می‌رساند و هر کس که طالب آن شغل بشود باید پیشکش گرانی بدهد. برای فهم اهمیت آن باید دانست که در اصفهان و جلفا، هر باغی به اندازه بزرگی خود حق آبی باید بدهد که هفته‌ای یکبار، مشروب شود."

به‌طورکلی از زاینده‌رود ۱۵۴ نهر یا مادی، به منظور آبیاری مزارع از رودخانه جدا گردیده است. ۷۶ مادی از تونل کوه‌رنگ تا پل کله که ۳۹ مادی آن از سمت راست و ۳۷ عدد آن از سمت چپ رودخانه جدا گردیده است. در حالیکه طومار شیخ‌بهایی، تقسیم آب را از پل کله تا قسمت سفلائی رودخانه، منظور داشته که جمعاً دارای ۷۸ مادی است که ۳۱ مادی آن از سمت راست و ۴۷ مادی آن از سمت چپ رودخانه منشعب است. (حامی؛ ۱۳۵۰، ۱۳).



در حال حاضر اگر اسامی مادی‌های موجود را با مادی‌های مندرج در طومار شیخ‌بهایی تطبیق کنیم. به اسامی ۵۶ مادی برمی‌خوریم که بین فلاورجان و پل کله از زاینده‌رود جدا شده‌اند و در طومار شیخ‌بهایی وجود ندارند. این امر دلیل بر تجاوز حکام بوده و عمدتاً در عهد قاجار به ویژه در دوران حکومت ظل‌السلطان بیش از سایر ادوار چنین تعدی و تجاوزی پیش آمده است و یکی از دلایل آن نیز کاهش جمعیت در این دوران و نیاز کمتر به فراورده‌های کشاورزی در مقایسه با

عصر صفویه بوده است، بعد از مشروطیت بر اثر عمران و آبادانی این منطقه، صاحبان زمین خواستند که تقسیم آب زاینده‌رود بر مبنای طومار شیخ‌بهایی عمل گردد و این کار از سال ۱۳۲۰ به بعد جامه عمل به خود پوشید. (شفقی؛ ۱۳۸۱، ۱۳۳).

طبق دفاتری که مبنای آن بر اصول طومار شیخیهایی می باشد، آب رودخانه از پل کله تا رودشتین و برآن به ۳۳ سهم بزرگ تقسیم می گردد که ۱۰ سهم به لنجانان تا فلاورجان و ۱۰ سهم جهت مادی های جی و برزهرود و ماربین و ۱۳ سهم بقیه، سهم آب دهقان های کراچ و رودشتین می باشد. که البته هر سهم به سهم های کوچکتر تقسیم می شود.

سهم آب مادی های جی و برزهرود که از شهر عبور می نماید ۶ سهم از ۳۳ سهم می باشد که این ۶ سهم، خود به ۳۷ سهم کوچکتر تقسیم می گردد که به ترتیب زیر است:

- ۱- مادی نیاصرم ۱۳ سهم از ۳۷ سهم
- ۲- مادی فرشادی ۳ سهم از ۳۷ سهم
- ۳- مادی فدن ۹ سهم از ۳۷ سهم
- ۴- مادی تیران ۳ سهم از ۳۷ سهم
- ۵- مادی شایج ۵ سهم از ۳۷ سهم
- ۶- مادی نایج ۴ سهم از ۳۷ سهم

۷- مادی جوبشاه (قنات آب حلال) که سهم شاهی دارد و مقداری از آب آن از رودخانه تامین می شود و سهم معینی ندارد و مقداری نیز از الحاق آب قناتی که از حدود نجف آباد (غرب اصفهان) شروع می شود، تامین می گردد و باغهای شاهی را مشروب می کند. پس از الحاق آب تونل های کوهرنگ، به زاینده رود نیز به همان نسبت، طبق طومار شیخیهایی عمل شده است.

بطور کلی آنچه که در تقسیم آب زاینده رود در طومار شیخیهایی تدوین شده، مربوط به ۶ ماه سال که از ۱۵ خرداد ماه شروع و تا پایان آبان ماه به مدت ۱۶۵ روز، یعنی فصلی که آب کمتر می شود و نیاز به آب برای کشاورزی بیشتر می گردد، می باشد و بقیه اوقات استفاده از آب آزاد است. (شفقی؛ ۱۳۸۱، ۱۳۶)

مقسم یعنی جایی که آب در دوراهی های مادی ها، باید به نسبت مشخص سهام خرد، تقسیم شوند و به آن (لت) گویند. شکل (۱)



تقسیم آب به وسیله لت به قسمت های نامساوی - مأخذ نگارنده
تقسیم آب به وسیله لت به قسمت های مساوی - مأخذ: نگارنده

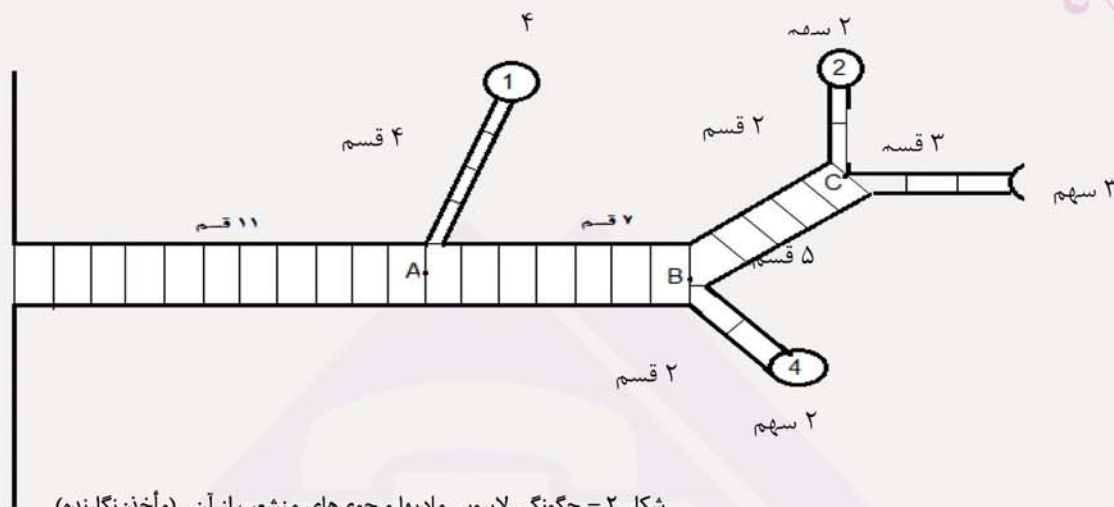
گفتنی است که نحوه لایروبی مادیها نیز به نسبت سهم آب برداشت شده هر روستا از شروع مادی تا انتها، انجام می پذیرد. چگونگی لایروبی به روش سنتی، مطابق شکل (شماره ۲) است:

روستای شماره (۱) دارای ۴ سهم است بنابراین روستایان حقابه بر، به تعداد سهام خود، فاصله بین روستا تا مقسم A را به ۴ قسمت تقسیم کرده و لایروبی می کنند. همین کار را هم روستای شماره (۲) و (۳) تا مقسم C (قسمت جدا شده از مادی) انجام می دهند و این دو روستا از مقسم C تا مقسم B به نسبت ۲ قسم و ۳ قسم لایروبی می کنند. روستای شماره (۴) هم که دارای ۲ سهم است در مقسم B به آنها اضافه می شود و جمعاً ۷ سهم می گردند و فاصله بین مقسم B تا مقسم A را لایروبی می کنند.

آخرین روستایی که به آنها ملحق می شود روستای شماره (۱) است با ۴ سهم که با ۷ سهم سایر روستاهای پایین دست، جمعاً ۱۱ سهم می شوند و فاصله بین مقسم A تا دهانه ورودی مادی از زاینده رود را لایروبی می کنند. حال این قسمت ها اگر داخل شهر باشند یا اماکن تاریخی و یا خانه های مسکونی مردم، فرقی نمی کند اما اگر روستایی در پایین دست مادی، بعد از شهر وجود نداشته باشد، لایروبی شهر به عهده شهرداری خواهد بود.



زاینده رود



نتیجه:

اصلاحاتی که شیخ‌بهایی در طولمار قبل از خود انجام داده، الحق اصلاح پسندیده‌ایست و تقسیمات عالی و منصفانه‌ای از روی علم و بصیرت و نهایت عدل و انصاف ترتیب داده و طوماری اصلاح کرده است که چهار قرن است از روی آن عمل می‌شود .
قوانین تعیین شده برای مادی‌ها توسط شیخ‌بهایی چنان که چه مواقعی باز شود و چه اوقاتی بسته باشد و ترتیب شرب اراضی علیا و سفلی زاینده‌رود را با اصول علمی تنظیم کرده، که اگر بخواهند تغییری در هر یک از آنها بدهند حتماً اختلالی در امور رودخانه پیدا خواهد شد.
مقسم‌ها (لت) در مادی‌ها و حتی پلهایی که بر روی زاینده‌رود بسته شده، تماماً روی مصالح و مقتضای علمی بوده است که با توجه به نیازمندی‌های مردم آن زمان تنظیم گردیده است.

منابع:

- ۱- جعفری فشارکی، مرتضی؛ پایان نامه کارشناسی ارشد معماری- شهرسازی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۸ .
- ۲- حامی، احمد؛ نشریه دانشکده فنی، مهرماه ۱۳۵۰.
- ۳- راوندی، مرتضی؛ تاریخ اجتماعی ایران، جلد پنجم، تهران، ۱۳۶۴ .
- ۴- شفق، سیروس؛ جغرافیای اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۱ .
- ۵- محمودیان، محمد؛ زاینده‌رود اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۴۸.



پیام وحی (۵)*

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا، الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا^۱

در قسمت های قبلی از کلام الهی پیرامون نفس مذموم- که مراد از آن تمایلات و تنفرات کور انسانی است و اگر در سنجش با معیارهای عقلی و دینی قرار نگیرد زیان و خسران دوجهان را در پی دارد- مطالبی بیان گردید، حال در این قسمت آیه ای مطرح می شود که در آن به عمده ترین و جامع ترین پیامد تبعیت همه جانبه از هوای نفس تصریح شده است، اگر انسان همواره پیرو بی چون و چرای احساس گشته و در جهت دادن آن به سمت حقیقت اندکی نیز نبیند و تلاش نکند نفس این قدرت را دارد که در وجود فرد به تدریج به جای عقل و یا حتی به جای دین بنشیند و حکمرانی کند تا جایی که فرد با تمام وجود به این توهم برسد که حاکم بروجود، اعمال و رفتار او کسی جز خداوند نیست و از همین جاست که طاقتوهای نظیر فرعون مصر به وجود می آید و خود را به تمام معنا رب اعلائی نه تنها خویشستن بلکه همه مردم می داند تا جایی که وقتی رسول الهی خود را پیامبر خدا معرفی می کند ابراز تعجب نموده که مگر غیر از من خدایی هست!

نکته قابل توجه اینجاست که در بین اینگونه افراد که در وجودشان هوای نفس به جای دین قرار گرفته کسانی نیز هستند که چه بسا در رفتارشان تضاد دینی چندان محسوس نیست و همین باعث گشته که خلق خدا نیز در این رابطه به غفلت در آیند، زیرا هوای نفس برای غفلت چنین افرادی به همه رفتار شخص رنگ الهی داده است، تاریخ نیز از این گونه فرمانفرمایان فرعونی کم ندارد، و در گروه های طغیانگر در مقابل حاکم عدالت نیز موارد دارد، همانند اهل فتنه در زمان امام علی ابن ابیطالب علیه الصلاة والسلام که در قالب قاسطین و ناکثین و مارقین در مقابل ولی خدا و خلیفه و جانشینی که خود نیز برای رسول خدا انتخاب کرده بودند قرار گرفتند و خود را خدایی و ولی خدا را در حد کجروی دانستند و این جزاین نبود که هوای نفس در وجود آنان به جای خدا نشست و ملاک هدایت و حقیقت را خود و توهم خویش می دانستند.

و در حادثه کربلا مشاهده می شود که فرمانده سپاه یزید در مقابل ولی خدا به لشکرش می گوید: ای لشکر سوار شوید و حمله کنید که شما را به بهشت خدایی بشارت باد!

و در شرایطی که هوای نفس در وجود فرد، حاکم مطلق گشته و مدیریت تام و تمام شخص را تسخیر کند معمولاً برگشت ممکن نیست زیرا وقتی کمترین تردید در وجود فرد در هدایت و حقیقت کاذب نباشد نه فرد در صدد هدایت است و نه سخن هدایت گران را می پذیرد، اینجاست که فرد در قدم های اولیه به اختیار خود هوا را بر خدا و خرد ترجیح داده و در گرداب برگشت ناپذیر فرو رفته خداوند نیز به پیامبرش می گوید دیگر استغفار تو نیز برایشان اثری ندارد^۲

کلام معصوم «ع» (۵)*

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم : وَلَا تَبْتَغِ اللَّهَ نَبِيًّا وَلَا تَوَلَّوْا حَتَّى يَسْتَكْمَلَ الْعَقْلُ وَيَكُونَ عَقْلُهُ أَفْضَلَ مِنْ جَمِيعِ عُقُولِ أُمَّتِهِ^۳.

کلام رسول الهی در اهمیت خرد بدینجا رسید که قبل از آنکه فرد به کمال و رشد عقلی نرسد خداوند او را نبی و یا رسول خود قرار نمی دهد در اینجا نکاتی قابل توجه است:

- ۱- نبی کسی است که خداوند او را بر ای ارتباط با خود برگزیده هر چند مامور به آوردن شریعت جدید و یا تبلیغ شریعت پیامبر قبلی و یا آماده کننده زمینه پیامبر بعدی نباشد و شاید هم از این برگزیدگی جز خدا و او آگاه نباشند ولی رسول نبی است که مامور واسطه گری بین خدا و خلق خدا نیز هست.
- ۲- به نظر می رسد همچنانکه مستند آیات و روایات نیز هست این افراد در تربیت و پرورش عقلی خویش مورد عنایت ویژه حقتعالی قرار می گیرند.
- بنابر این چه در مواردی که انسان یک فرد عادی باشد و نه پیامبر خدا برای دینداری و تکمیل دین خود نیازمند به کمال عقل است و افراد غیر عادی نیز تا وقتی که تحت تربیت الهی به کمال عقل نرسند در جایگاه نبوت قرار نمی گیرند.
- ۳- در مواردی دیده شده که این عبارت به شکل دیگری ترجمه شده است، یعنی خداوند پیامبر را بر نمی انگیزد مگر برای اینکه خرد مردم را کامل کند، ولی از نظر ادبی الف و لام که بر سر عقل قرار دارد جایگزین ضمیر است گویا عبارت چنین است: حتی يستكمل عقله، یعنی تا وقتی که خرد فرد کامل نگردد نبی و یا رسول قرار نمی گیرد.

* - تهیه و تنظیم: امور فرهنگی دانشگاه

۱ - سوره کهف، آیه ۱۰۳-۱۰۴

۲ - سوره توبه، آیه ۸۰

* - تهیه و تنظیم: امور فرهنگی دانشگاه

۳ - کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۴.

بنابراین اهمیت عقل در پذیرش و تکمیل دین و نیز در استعداد و آمادگی رسولان برای مأموریت به خوبی روشن و مبرهن است و پیامبر تا به خرد کامل نرسد نبی نمی شود گرچه بین ایمان و عقل رابطه متقابل وجود دارد یعنی عقل به سمت ایمان می کشاند و ایمان عقل را تقویت می کند. در ادامه می فرماید باید عقل نبی از عقل امتش برتر باشد بدین معنا که ممکن است امت یک پیامبر خود دارای خرد باشند و البته تا خردنسی نباشد ارسال رسول مورد ندارد ولی عقل رسول از همگان برتر است، بنابراین زعامت و رهبری یک رسول تنها منوط به وحی محض نیست و عقل در مورد طرفین (ارسال رسول و پذیرش امت) حرف اول را می زند.

و می توان از این کلام شریف بدینجا رسید که جامعه متدین به تدین واقعی حتما خردمند است ولی اگر جامعه ای در این دینداری، ظاهری و قشری باشد البته وجود خرد در این جامعه از این طریق به اثبات نمی رسد پس نمی توان از جامعه دیندار ظاهری انتظار داشت که بتواند دنیا و آخرت خویش را درست کرده و نیز بتواند نقش واسطه گری را - آنچنانکه قرآن برای امت اسلام در نظر گرفته - ایفا کند. و همانگونه می شود که امام علی (ع) فرمود: که اسلام همانند پوستینی وارونه پوشیده می گردد. از نکات مهم فرمایش امام علی (ع) این است که پوستین که در زمان گذشته برای حفظ بدن از سرما استفاده می شد از پوست گوسفندان بود که درون آن پشم گوسفند و بیرون آن تزیین می شد، و ازدرون فرد را گرم کرده و از بیرون زیبا بود ولی اگر این لباس وارونه پوشیده می شد ازدرون گرمی نداشت و از بیرون نمایی ترسناک داشت، به همین قسم است دین مبین اسلام که اگر وارونه گردد برامت نتیجه ای ندارد و از بیرون سبب وحشت جهانیان از اسلام و مسلمین می گردد؛ همانگونه که سید جمال الدین اسدآبادی شخصیت انقلابی و سیاسی زمان قاجار گفت که: «الاسلام محبوب بالمسلمین» اسلام به وسیله مسلمانان در پنهانی و پوشش قرار دارد، یعنی مردم جهان می خواهند بدانند اسلام چیست به جوامع اسلامی نگاه کرده و از دین بیزار می شوند، لذا چنین جامعه دینی نه تنها خود بهره دنیایی و آخرتی از اسلام نمی برد بلکه در قیامت باید تاوان آبروریزی از دین را نیز بپردازد.

ادامه دارد

اللهم صل على محمد و آل محمد و بحالهم
خدا یا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و تعجیل کن در فرج ایشان

چشم چرانی

حاج آقا کاظمی*

اللهم اغضض ابصارنا عن الفجور و الخيانة
پیامبر صلوات الله علیه و اله فرمود:

هر کس به نامحرم نگاه کند، خداوند چشم او را روز قیامت از آتش پر می‌کند؛ مگر اینکه در دنیا توبه کند.
و نیز فرمود: «همه چشم‌ها در روز قیامت گریانند مگر چشمی که در دنیا از ترس خدا بگرید و چشمی که به نامحرم نگاه نکند و چشمی که در راه خدا شب را تا به صبح بیدار باشد.»

و نیز فرمود: «نگاه نامحرم تیری است مسموم از تیرهای ابلیس. هر کس از ترس خداوند چشم خود را از نگاه حرام باز دارد، خداوند ایمانی به او عطا فرماید که شیرینی آن را در قلبش حس کند.»

و نیز فرمود: «زنا برای همه اعضای انسان وجود دارد: زنا، چشم، نگاه به نامحرم است، زنا، زبان، سخن گفتن با نامحرم به قصد لذت طلبی، زنا، گوش، شنیدن سخن نامحرم و زنا، دست، لمس بدن نامحرم است.»

و نیز فرمود: «خداوند بر زنی که شوهر دارد و به نامحرم نگاه می‌کند خشم می‌گیرد.»

امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس نامحرمی را دید و چشم خود را به طرف آسمان بلند کرد یا بست، خداوند در بهشت، حورالعین بهشتی را به عقدش درمی‌آورد.»

منابع: بحار الانوار، ج ۱۰۴، باب ۹۱

پیامدهای شوم نگاه به نامحرم

روح بشر فوق العاده تحریک پذیر است، اشتباه است که گمان کنیم تحریک پذیری روح بشر محدود به حد خاصی است و از آن پس آرام می‌گیرد. هیچ فردی از تصاحب زیبا رویان و هیچ زنی از متوجه کردن مردان و تصاحب قلب آنان و بالأخره هیچ دلی از هوس، سیر نمی‌شود.

چشم، دریچه دل و اندیشه انسان است، اگر چگونه نگرستن را یاد بگیریم و چگونه دیدن را تجربه کنیم، چشم، چشمه امید و ایمان می‌شود و نگاه ما، عبادت و سبب رشد و تکامل خواهد شد، و اگر آن را رها کنیم تا به هر چه هوی و هوس دستور داده نگاه کند، زینهای متعددی متوجه انسان خواهد شد، و به گناهان ناخواسته ای دچار خواهد شد، مگر فاصله نگاه تا گناه چه قدر است؟

اگر عقل و خرد انسان در اختیار چشم قرار گیرد، پیامدهای روانی و غیر روانی فراوانی در پی خواهد داشت که ممکن است انسان را به تباهی بکشاند. حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «الْعَيْنُ جَاسُوسُ الْقَلْبِ وَ بَرِيدُ الْعَقْلِ» چشم جاسوس و مأمور دل و نامه رسان عقل است.

در جای دیگر فرمود: «الْعَيْنُ بَرِيدُ الْقَلْبِ» چشم پیغام رسان دل است.

کلمه «جاسوس» در روایت اول نشان از آن دارد که چشم بر دل مؤثر است، چون جاسوس هر چه گزارش دهد دل و فرمانده می‌پذیرد، چنانکه سخنان پیغام رسان برای پیغام دهنده حجت و اعتبار دارد. از اینجا می‌توان حدس زد که نگاه، تأثیرات عمیقی بر روح و روان انسان می‌گذارد.

گام اول در روابط نامشروع نگاه آلوده است و گام گذاران در این وادی، چه بسا گرفتار عادت مذموم دائمی خواهند شد. روان شناسان، چشم چرانی را نوعی بیماری روانی می‌شمارند. بینایی، یکی از مهم ترین اعضا برای تحریکات جنسی است. اگر فرد تنها از نظربازی برای ارضای کشش جنسی استفاده کند، دچار نوعی انحراف شده است معمولاً شخص نَظَر باز با مشاهده و نگاه ارضا نمی‌شود و به همین جهت گاه مبتلا به استمناء و خودارضائی می‌شود.

در روایت دیگری تعبیر ظریف تری آمده، آنجا که علی (علیه السلام) فرمود: «القلب مصحف البصر؛ دل کتاب دیده است» یعنی این نگاه است که هرگونه بخواهد کتاب دل را می‌نویسد و بر آن نوشتاری بوجود می‌آورد. پیامدهای نگاه را در چند بخش مورد بررسی قرار می‌دهیم.

کاهش آرامش روانی و افزایش التهاب و اضطراب

چشم چرانی آرامش روحی روانی انسان را نابود ساخته و فرد را دچار اضطراب و تشویش می‌نماید استاد شهید مطهری می‌گوید:

با توجه به اینکه روح بشر فوق العاده تحریک پذیر است اشتباه است که گمان کنیم تحریک پذیری روح بشر محدود به حد خاصی است و از آن پس آرام می‌گیرد. هیچ فردی از تصاحب زیبا رویان و هیچ زنی از متوجه کردن مردان و تصاحب قلب آنان و بالأخره هیچ دلی از هوس، سیر نمی‌شود. تقاضای نامحدود خواه ناخواه انجام ناشدنی است و همیشه مقرون به نوعی احساس محرومیت و دست یافتن به آرزوها و به نوبه خود منجر به اختلالات روحی و بیماری‌های روانی می‌گردد که امروزه در دنیای غرب بسیار به چشم می‌خورد.

فرهنگ ادیان (۳)

سید علیرضا هدائی*

در قسمت‌های پیشین، به مدخل‌هایی از دایرةالمعارف «سه دین بزرگ» در معرفی برخی آیین‌ها و شخصیت‌های دین مسیحیت پرداخته شد. در این مجال نیز به ترجمه بخش دیگری از مدخل‌های مربوط به مسیحیت این کتاب اشاره می‌کنیم:

Legate

نماینده تام‌الاختیار پاپ:

(اسم)، نماینده ویژه دربار پاپ که اختیارات مقام پاپ به او محول شده باشد.

Lehi

لحی:

(در مسیحیت): اولین پیامبر در کتاب مورمون (*Mormon*). ششصد سال قبل از مسیح پروردگار لحی را انذار داد که خانه‌اش را ترک کند تا از نابودی قریب‌الوقوع اورشلیم دور ماند. لحی خانواده خود را از اورشلیم به نیمکره غربی هدایت کرد. او ابزاری موسوم به «لیاهونا» در دست داشت که به مثابه جهت‌یابی بود که پروردگار به او اعطا کرده بود تا خانواده‌اش را در سفرشان هدایت کند. این لیاهونا «به فراخور ایمان و پایمردی» لحی و قومش عمل می‌کرد.



Lent

چله پرهیز و روزه؛ ایام صیام:

(در مسیحیت): دوره چهار روزه روزه‌داری پیش از عید پاک؛ [از چهارشنبه توبه تا عید پاک]. در سه قرن نخست، این دوره به‌طور معمول از دو یا سه روز تجاوز نمی‌کرد. تاریخ اولین اشاره به روزه چهار روزه یا صیام کبیر (لنت) به سال ۳۲۵ میلادی باز می‌گردد، هرچند تا روزگاری بسیار متأخرتر، این دوره در کلیساهای مختلف، متفاوت قلمداد می‌شد. در طول قرون نخستین، به‌جای آوردن این روزه سخت‌گیرانه بود؛ تنها یک وعده غذا در روز و ممنوعیت گوشت خوراکی و ماهی؛ اما به‌تدریج از شدت آن در غرب کاسته شد. در کلیسای کاتولیک روم، قانون پایی توبه (*PAENITEMINI*) (۱۹۶۶ م.)، الزام به روزه‌داری را به اولین روز ایام صیام، و آدینه مقدس یا جمعه قبل از عیدپاک (*Good Friday*) محدود کرد. [در این روز، مسیحیان به مناسبت تصلیب مسیح روزه می‌گیرند و به کلیساها می‌روند.]

Lichgate



طاق نمای مشرف به حیاط کلیسا:

(اسم)، (هم‌چنین *Lychgate*)، دروازه مسقف صحن کلیسا.

Light of the world, The

نور عالم:

(در کتاب مقدس)، لقب مسیح: عهد جدید. «عیسی در یکی از تعالیم خود، به مردم فرمود: من نور جهان هستم، هر که مرا پیروی کند، در تاریکی نخواهد ماند، زیرا نور زنده راهش را روشن می‌کند.» (انجیل یوحنا ۸: ۱۲)
نور جهان، بن‌مایه نقاشی مشهور هولمن هانت است که دق‌الباب روح توسط مسیح را به‌تصویر می‌کشد؛ تمثیلی از عیسی مسیح که با فانوسی در دست، در حال کوبیدن دری است که برای مدت‌ها باز نشده و با خار و خس پوشیده شده است؛ دستگیره‌ای ندارد و تنها می‌تواند از درون باز شود که نمادی برای قلب یا ذهن لجوج و بسته‌ی انسان است. تابلوی اصلی که در سال ۱۸۵۴ میلادی نقاشی شد، [اکنون] در کالج کپل دانشگاه آکسفورد است و بازنگاری او از همان سوژه (در سال ۱۹۰۴ میلادی)، [اینک] در کلیسای جامع سنت پل است.



Limbo

* عضو هیأت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه شیخ بهایی

برزخ، اعراف:

(اسم)، [واژه لاتین: در برزخ = در حاشیه و مرز] منطقه یا کناره دوزخ، که جایگاه ارواحی پنداشته می شود که غسل تعمید نشده باشند:

- برزخ پدران (*Limbus partum*): برای ارواح متقین و پارسایانی که پیش از مسیح از دنیا رفته اند.

- برزخ اطفال (*Limbus Infantum*): جایگاه ارواح اطفالی که غسل تعمید نشده اند.

Liturgical Colours**رنگ های [مخصوص] مراسم عبادی:**

توالی مجموعه ای از رنگ ها در فصول مختلف (شش فصل) سال کلیسایی، برای لباس رسمی کشیش و دیگر چیزهای مربوط به عبادت و نیایش. نخستین بار، در اوایل قرن دوازدهم توسط کشیشان آگوستینی در بیت المقدس (اورشلیم) استعمال شد. ترتیب متعارف رنگ ها در کلیسای غربی (سفید، قرمز، سبز، ارغوانی و سیاه) بسیار دیرتر رسمیت یافت. در کلیسای شرقی، هیچ قاعده مشخصی در مورد رنگ ها وجود ندارد.

**Liturgical Hours****ساعات مناجات:**

مراسم ربانی، سرودها، ادعیه، و قرائت هایی که در ساعات ویژه انجام می شود: *divine office*.

Liturgical year**سال عبادی:**

در کلیسای غربی، سال مسیحی بر اساس هفته، جشن های عید پاک و کریسمس (جشن تولد عیسی مسیح) است و در نخستین یکشنبه، از چهار یکشنبه پیش از میلاد (*Advent*) آغاز می شود. به طور سنتی، یکشنبه ها را به واسطه [عید] آمدن مسیح (*Advent*)، کریسمس و عید تجلی مسیح (*Epiphany*)، ایام صیام (*Lent*)، عید پاک، عید پنجاهه یا گلریزان (عید نزول روح القدس بر حواریون عیسی)، و یا یکشنبه تثلیث شماره گذاری کرده اند. در کلیسای شرقی، سال در سه بخش واقع می شود: ده هفته قبل از عید پاک (*Triodion*)، موسم فصیح یا عید پنجاهه (*Pentecostarion*) و باقی سال (*Octoechos*).

Logia**کلمات قصار**

(اسم)، (جمع). [واژه یونانی به معنی اقوال و مفرد آن *Logion* است]، در نقد عهد جدید: مجموعه ای که بنابه فرض، گفته های مسیح است که در اناجیل متداول ضبط نشده، بلکه در جایی دیگر نگاه داشته شده و در ایام کلیسای نخستین شایع شده است؛ گاهی این مجموعه را سند مفقود تلقی می کنند. این اصطلاح هم چنین در مورد آن سخنان مسیح (*Sayings of Jesus*) به کار می رود که در [پاپیروس های] اوکسیرینکوس (*Oxyrhynchus*) مصر یافت شده است. (هم چنین است: *agrapha*، به معنای نانوشته؛ گفتاری منتسب به مسیح که در اناجیل اربعه ثبت نشده، اما در منابع دیگر مسیحی آمده است).

Logos**کلمه، عقل، لوگوس:**

[واژه یونانی به معنای کلمه یا عقل]، (در الهیات مسیحی)، اقوم دوم تثلیث (*TRINITY*)؛ اندیشه یا کلمه ازلی خداوند که در عیسی مسیح تجسم یافت. این واژه، هم در تاریخ شرک و کفر باستان و هم در تراثکهن یهودی شناخته شده بود. در مطلع انجیل یوحنا ی قدیس، لوگوس یا کلمه به عنوان [چیزی که] در آغاز خدا بود توصیف می شود: [در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود...]; کلمه خلاقه ای که در انسان، در عیسی مسیح ناصری تجسم یافت. هر چند واضح است که نویسنده انجیل متأثر از همان پیشینه ای است که فیلون (*PHILO*) تحت تأثیر آن است، یکی دانستن لوگوس و مسیح توسط او امر جدیدی بود.

Lollardy**نهضت لولاردی:**

(اسم)، در اصل «لولارد» به پیروان جان ویکلیف (*John Wycliffe*) اطلاق می شد و بعدها این واژه در مورد هرکس که به طور جدی به کلیسا انتقاد می کرد به کار می رفت. لولاردها به تبعیت از ویکلیف، تعالیم خود را بر مبنای ایمان شخصی، انتخاب الهی و فراتر از همه، کتاب مقدس قرار دادند. آن ها به تجرد و بی همسری کشیشان، تبدیل جوهری نان و شراب عشاء ربانی به گوشت و خون مسیح، عفو توسط کلیسا، و زیارتها تاختند و اعتقاد داشتند که صحت و اعتبار اعمال کشیشان را شخصیت اخلاقی ایشان معلوم می کند. این جنبش به مدت بیست سال از حمایت هایی برخوردار بود. در اوایل قرن پانزدهم، شکنجه شدید و طاقت فرسا موجب شد تا اکثر رهبران نهضت از آن توبه کرده، رویگردان شوند؛ در نهایت، این حرکت صورت مخفیانه و پنهانی یافت. به نظر می رسد که این نهضت به تحول و اصلاح در انگلستان کمک کرده باشد.

Lord's Day**روز پروردگار؛ یکشنبه:**

نامی که مسیحیان به یکشنبه اطلاق می کنند: (عهد جدید. مکاشفه یوحنا ۱: ۱۰)



« معیارهای ازدواج و انتخاب همسر »

شهاب الدین ادیبی و آزاده آرمان پناه *

برای انتخاب همسر شایسته معیارهایی وجود دارد که توجه به آنها از اهمیت خاص برخوردار است و آنها را می‌توان به دو بخش تقسیم نمود، خصوصیات و ویژگیهایی که یک همسر مناسب باید داشته باشد، و ویژگیهایی که نباید داشته باشد.

خصوصیات شوهر شایسته

- ۱- دیانت و تقوی ۲- حسن خلق ۳- فعال و تلاشگر ۴- عفت زبان ۵- سخاوت ۶- مهمان نوازی ۷- آراستگی ظاهر ۸- امین بودن ۹- اصالت و نجابت خانوادگی ۱۰- عاقل و خردمند بودن.

خصوصیات زن شایسته

- ۱- هماهنگی با شوهر ۲- تمکین و تأمین نیاز جنسی ۳- زینت و آرایش برای شوهر ۴- داشتن پوشش مناسب ۵- داشتن جمال و کمال ۶- اصالت خانوادگی ۷- عاقل و خردمند ۸- دیانت و تقوی ۹- حسن خلق ۱۰- عفت.

ویژگیهایی که پسران در انتخاب همسر باید از آن دوری کنند:

- ۱- انتخاب دختری که متکی به زیبایی است. ۲- دختری که به مال و منال پدر می‌نازند. ۳- مدپرست‌ها و بی بند و بارها ۴- از خودراضی‌ها و لوس‌ها ۵- دختری که شدیداً متکی و وابسته به خانواده است. ۶- دختران همه چیزدان که در خانه برای شوهر نقش معلم را دارند و معتقدند شوهر را خواهند ساخت و سرنوشت زندگی در اختیار آنان است. ۷- دختران جاه طلب ۸- دختران بد اخلاق و عبوس ۹- سفیه و ناقص عقل ۱۰- کینه توز و خودپسند ۱۱- لجباز و ناسازگار ۱۲- بد زبان و بد رفتار.

ویژگیهایی که دختران در انتخاب همسر باید از آن دوری کنند:

- ۱- پسران هوسباز ۲- پسرانی که اعتیاد به مواد یا نوشیدن الکل و ... دارند. ۳- پسرانی که اهل کار و زندگی نیستند. ۴- پسران بی اراده و دمدمی مزاج ۵- مردان وابسته اعم از وابستگی به پدر، مادر یا دیگران ۶- مردان خسیس ۷- مردانی که از نظر روانی ناهنجاریهایی دارند، بخصوص بدبین‌ها، شکاک‌ها و وسواس‌ها ۹- سلطه‌جوها و افراد مستبد ۱۰- افراد بسیار اجتماعی و رفیق باز

بطور کلی در انتخاب همسر باید توجه داشته باشیم که حداقل ۶۰٪ تفاهم در زمینه‌های زیر لازم است:

تفاهم در عوامل اجتماعی- سیاسی و فرهنگی- اعتقادات دینی و آداب و رسوم - آراستن ظاهر و لباس- ملیت و زبان و سنتها و باورها- سطح اقتصادی- خصوصیات اخلاقی و روانی- هوش و استعداد- سن و عقل و شغل و تحصیلات.

مرکز مشاوره دانشگاه شیخ بهائی



فقر حرکتی

عامل اصلی ناهنجاری های قامتی

تهیه کننده: سمیه علی زمانی*



زندگی ماشینی و توسعه امکانات و تسهیلات رفاهی، بشر امروزی را به سمت شرایطی مغایر با طبیعت و سرشت او سوق داده است به طوری که امروزه شاهد بسیاری از بیماری های ناشی از نبود فعالیت و فقر حرکتی هستیم. کارشناسان ورزش در مورد فقر حرکتی می گویند: انسان از بدو تولد با < بازی و حرکت > با محیط ارتباط برقرار می کند و خواسته های خود را نیز به پیرامون خود انتقال می دهد. یعنی حرکت جزء وجودی آدم است. اما آدمی رفته رفته به ویژه در محیط های زندگی شهری از این عامل حیاتی فاصله گرفته و به موضوعی تحت عنوان < فقر حرکتی > مبتلا می شود.

تنبلی و تن پروری و دوری جستن از فعالیت های مناسب جسمانی و حرکتی، موجب بروز ناهنجاری های استخوانی-عضلانی، عدم تناسب و تقارن اندام، دردهای استخوانی، بیماری های قلبی-تنفسی و ... می شود. بنابراین برای جلوگیری از بروز این مشکلات، گسترش ورزش در بین مردم به عنوان یکی از راه های کنترل کننده و نجات بخش، پیشنهاد می شود. ضعف عضلات نگه دارنده ستون فقرات می تواند موجب بهم خوردن تعادل و قامت انسان گردد، که عموماً ناهنجاری وضعیتی گفته می شود. انجام حرکات صحیح، این اختلالات حرکتی را از بین برده و سلامت سیستم عضلانی-اسکلتی را تأمین می کند.

افرادی که دچار ضعف نگه داری هستند برای مدت کوتاهی بالاتنه و ستون فقرات را صاف نگه می دارند سپس بدنشان سریعاً به حالت افتادگی باز می گردد. قامت استوار احساس نشاط را زیاد می کند و دیدن فردی که ضعف های ویژه ای در اندام دارد مایوس کننده و کسالت آور است و این ضعف ها با بالا رفتن سن پیشروی می کنند. عادات غلط شغلی، فقر حرکتی ناشی از نحوه زندگی، چاقی، پوشاک نامناسب، اختلالات ژنتیکی، آسیب ها و صدمات فیزیکی، مسائل فرهنگی، کاهش محرکات رشدی (تغذیه، آب، هوا و نور...) و وضعیت روانی عوامل کلی ضعف نگه داری بدن و ناهنجاری های وضعیتی می باشند. این ضعف ها عوارضی را بوجود می آورند که گاهی جبران آن به سختی انجام می گیرد. اصلاح ضعف های عضلانی در کودکان راحت تر از بزرگسالان انجام می پذیرد، اما در بزرگسالان نیز غیرقابل درمان نیست. در دوران رشد بیشتر جنبه ترمیمی و اصلاحی و در سنین بالاتر جنبه پیشگیری از گسترش ضعف را دارد.

عوارض سیستم اسکلتی ناشی از فقر حرکتی

• کمردرد

کمردرد یکی از رایج ترین عوارض شایع در جامعه کنونی است که اکثر افراد جامعه تحت تاثیر آن قرار گرفته اند. همچنین از مهمترین عامل های از دست دادن روزهای کاریست و علت عمده آن ضعف سیستم تعادلی می باشد، که در اثر فقر حرکتی ایجاد می شود.



• کیفوز (افزایش بیش از حد قوس ستون فقرات در ناحیه پشت)



کوتاهی و عدم انعطاف پذیری عضلات سینه ای و ضعف عضلات تنفسی از جمله عوارضی است که بر دستگاه تنفسی آثار نامطلوبی دارد زیرا کوتاه شدن و ضعف عضلات ناحیه سینه ای و موثر در تنفس، موجب کاهش حجم قفسه سینه شده و به دنبال آن حجم شش ها کاهش می یابد.



- لوردوز (گودی کمر)
این عارضه در اثر ضعف عضلات کمری، شکم پشت و باسن بوجود می آید که در اثر بی تحرکی این عضلات ایجاد می شود.

- ضعف عضلات دستگاه قلبی تنفسی
تمرینات ورزشی با شدت متوسط کمک می کند تا قلب با تعداد ضربان کمتری در دقیقه کار کند و اکسیژن و خون کافی را به اندام ها برساند و دی اکسید کربن را از آنها دور کند.

- ضعف هماهنگی و تعادل
ضعف تعادل عضلانی که در اثر عدم تعادل بین عضلات موافق و مخالف بوجود می آید. بدلیل آنکه بخش های مختلف اسکلت بدن به هم وابسته اند، کم تحرکی یک مفصل به صورت جبرانی می تواند باعث پرتحرکی مفاصل مجاور مانند ستون مهره های کمری و یا مفاصل ران شود و فشارهای بیش از حد بر این مفاصل آسیب به همراه خواهد داشت. از جمله عارضه های که در اثر عدم تعادل عضلانی ایجاد می شود اسکولیوز (پشت کج) می باشد.

- اختلالات دیگر ناشی از فقر حرکتی
بی تحرکی می تواند در سیستم عضلانی-اسکلتی تغییرات دائمی ایجاد کند. توده عضلانی و قدرت آن به وسیله تعادلی که بر اساس تولید پروتئین و مصرف آن وجود دارد، حفظ می شود. پژوهش ها نشان می دهد که با عضله و فعالیت آن توسط این تعادل تنظیم می شود.
- بررسی های انجام شده نشان می دهد بیش از یک هفته بی تحرکی، از قدرت و تحمل عضله کاسته خواهد شد، و همچنین بعد از یک یا دو ماه بی تحرکی، درصد قابل ملاحظه ای از اندازه عضله کم می شود. در این میان عضلات پا بیشترین تاثیر را از بی تحرکی می پذیرند.
- بی تحرکی باعث کاهش املاح سازی و کمبود مواد زمینه ای استخوانی می شود. همچنین با بی تحرکی فرایند، تراکم استخوان کاهش می یابد و به دنبال آن پوکی استخوان ایجاد می شود. ورزش می تواند بر استحکام استخوان ها تاثیر گذار باشد و موجب تقویت آنها شود.



مطالعات نشان داده است بازی های دبستانی برای رشد حرکتی دانش آموزان تاثیر مثبتی دارد

کودک در سن ۱۱-۵ سالگی حداکثر رشد سلولهای عصبی و حرکتی را داراست و قدرت یادگیری در این سنین بویژه برای نهادهای سازی تحرک در آن ها ضروری است. متخصصان می گویند چنانچه در این سنین به کودکان ورزش های حرکتی از جمله دوومیدانی، شنا و ژیمناستیک آموزش داده شود زمینه بسیار مناسبی برای کسب مهارت در دوره های بالاتر سنی ایجاد می کند.

.....منابع.....

- ضعف های عضلانی و ۱۰۰۰ حرکت اصلاحی، فرحناز حیدری
- فیزیوتراپی در ضایعات شایع عضلانی اسکلتی، مرضیه یاسین و امیر احمدی

"بهار" و "عید نوروز" در آئینه شعر فارسی

پویا علیارزاده*

"بهار" و "عید نوروز" در تاریخ شعر فارسی تجلی پر شمار و انعکاس فراوانی داشته است. شعرا و سرایندگان شعر فارسی تحت عنوان "بهاریه" سروده‌های زیادی از خود بر جای گذاشته‌اند. "بهار" بعنوان احیاگر طبیعت و "عید نوروز" ایام پاسداشت این گردش لیل و نهار با شور و شوقی که در اقوام ایرانی از گذشته‌هایی دو ایجاد کرده است درحقیقت زندگی تازه و نویی را برای انسانها به دنبال خود می‌آورد. نگاه شاعرانه به این زیبایی‌ها و شور و شوق رستن و دوباره رنده شدن نگاهی توصیفی در آغاز و نگرشی درونی و معنی‌گرا در پایان است. بطوریکه در بعضی از اوقات توصیف بهار وسیله‌ای برای بیان مقصود و اندیشه‌های دیگر قرار می‌گیرد.

این مقصود بسته به جهان بینی و تفکر شاعر نوع نگاه او را در این مقطع زیبای دگرگونی طبیعت به درون گرای و برون گرای نشان می‌دهد. به عبارت دیگر بهار می‌تواند نماد عدم پایداری دنیا و نعمات آن باشد نعمت‌هایی که شایسته‌ی دلبستگی نیست یا اینکه نشان از گشایش و آرامش پس از تحمل سختی و سردی‌ها قرار گیرد و ایجاد امید و شوق برای حرکت به سوی آینده و شروعی دوباره نماید.

در این روند بررسی هر چه از شعر کلاسیک گذشته به سوی شعر امروز فارسی گام برداریم بیان حالت‌ها و مضمون‌ها از طریق وصف بهار و عید نوروز به گفتمانی غالب تر تبدیل می‌گردد که شاعر با مخاطب قرار دادن مضمون بهار فکر و اندیشه‌ی درونی و فلسفی خود را بیان می‌کند. از قرن چهارم هجری به بعد با شکل گیری قصیده و رواج آن تغزل و تشبیه بسیاری از قصاید در وصف بهار بود ولی با وسعت یافتن انواع شعر فارسی و تولد غزل بهاریه‌ها منحصر به قصیده نماند و به تدریج به قالب های دیگر شعر مانند غزل و مثنوی نیز سرایت کرد. نخستین بهاریه‌ی مشهور در این دوره از رودکی پدر شعر فارسی است که سرتاسر آن وصف بهار است. به چند بیت آن اشاره می‌گردد:

آمد بهار خرم با رنگ و بوی طیب	با صد هزار زینت و آرایش عجیب
شاید که مردپیربدین گه جوان شو	گیتی بدیل یافت شباب ازپی شیب
چرخ بزرگوار یکی لشکری بکرد	لشکرش ابر تیره و باد صبا نقیب
یک چند روزگار جهان دردمند بود	به شد، که یافت بوی سمن باد را طیب
بلبل همی بخواند بر شاخسار بید	سار از درخت سرو مر او را شده مجیب

با رواج گرفتن سبک خراسانی طبیعت‌گرایی اوج می‌گیرد. در نتیجه اشعار نیمه‌ی دوم قرن چهارم و اوایل قرن پنجم سرشار از رنگ و بوی گلها و آواز پرندگان است. بهترین نماینده این دوره منوچهری دامغانی است که مسمط‌های او از با شکوه‌ترین بهاریه‌های شعر فارسی است که همواره مورد تقلید شاعران بعد او قرار گرفته است. کمتر شاعری توانسته این گونه زیبا آمدن بهار و آغاز نوروز را در قالب شعر کلاسیک بیان کند:

آمد نوروز هم از بامداد	آمدنش فرخ و فرخنده باد
باز جهان خرم و خوب ایستاد	مرد زمستان و بهاران بزداد
ز ابر سیه روی سمن بوی داد	
گیتی گردید چو دارالقرار	

روی گل سرخ بیاراستند	زلفک شمشاد پیراستند
کبکان برکوه به تک خاستند	بلبلکان ز پیروستا خواستند

فاختگان همبر بنشاستند	
نای زنان بر سر شاخ چنار	
باز جهان خرم و خوش یافتیم	زی سمن وسوسن بشتافتیم
زلف پری رویان بر تافتیم	دل ز غم هجران بشکافتیم

خوبتر از بوقلمون یافتیم
بو قلمونی‌ها در نو بهار

در همین مقطع فرخی سیستانی آنچنان باکلمات فارسی زیبایی‌های بهار و نوروز را بیان می‌کند که طبیعت گرائی و وصف روز بهار و ایام آغاز سال نو به اوج خود می‌رسد:

چون پرند نیلگون بر روی بندد مرغزار	پرنیان هفت رنگ اندر سر آرد کوهسار
خاک را چون ناف آهوشک زایدی قیاس	بیدرا چون پرطوطی برگ روید بی شمار
دوش وقت نیم شب بوی بهار آورد باد	حبذا باد شمال و خرما بوی بهار
باده گویی مشک سوده دارداندر آستین	باغ گویی لعبتان جلوه دارد در کنار
ارغوان لعل بدخشی دارد اندر مرسله	نسترن لولوی لالا دارد اندر گوشوار
تا بر آمد جامهای سرخ مل بر شاخ گل	پنجه های دست مردم سر بون کرد از چنار
راست پنداری که خلقت های رنگین یافتند	باغهای پر نگار از داغگاه شهریار

ازنیمه ی دوم قرن پنجم به بعد بهاریه‌ها در منظومه‌های عاشقانه و عارفانه که سر آغاز آنها قصیده‌های سنایی است تجلی پیدا می‌کند. پیش از سنایی بهار با چشم انداز عارفانه و عناصری از زندگی و دید عرفانی وصف نشده بود. در بهاریه‌های سنایی تمام کائنات در حرکت و جنبش هستند:

باز متواری روان عشق صحرایی شدند	باز سر پوشیدگان عقل سودایی شدند
باز نقاشان روحانی به صلح چار فصل	از سرای پنجدر در خانه آرایی شدند
باز بینا بودگان همچو نرگس در خزان	در بهار از بوی گل جویای بینایی شدند
بیدلان در پرده ی ادبار متواری شدند	دلبران در پرده ی اقبال پیدایی شدند
مطربان رایگان در رایگان آباد عشق	بی دل و دم چون سنایی چنگی ونایی شدند
زرد و سرخی باز در کردند خوشرویان باغ	تا دگر ره برسر آن لاف رعنائی شدند
عالم پیر منافق تا مرقع پوش گشت	خرقه پوشان الهی زیر یکتایی شدند

چندی بعد سعدی با آمیختن مفاهیم عقلانی در وصف طبیعت بهار را به گونه‌ای می‌ستاید که زوایای درونی ذهن و چشم اندازه‌های بیرونی طبیعت را چون آئینه ای که در مقابل رخی زیبا گرفته شود نشان می‌دهد و همه را به فکر کردن در بامدادی که لیل و نهار تفاوت ندارد فرا می‌خواند و می‌گوید اگر کسی این همه نقش‌های عجیب را ببیند و در خود تغییری بوجود نیاورد فرقی با جمادات ندارد:

بامدادی که تفاوت نکند لیل و نهار	خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار
آفرینش همه تنبیه خداوند دل است	دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار
این همه نقش عجب بر در دیوار وجود	هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار
هر که امروز نبیند اثر قدرت او	غالب آن است که فرداش نبیند دیوار
آدمی زاده اگر در طرب آید چه عجب	سرو در باغ به رقص آمد و بید و چنار
خبرت هست که مرغان سحر میگویند	آخرای خفته سراز خواب جهالت بردار
سعدیا راست روان گوی سعادت بردند	راستی کن که به منزل نرود کج رفتار



خیام نیزرنده فلسفه‌ی زیبای خود را چسبیدن به زمان فعلی و دم نزدن از گذشته و غم و غصه‌ی نیامده را نخوردن می‌داند این گونه می‌سراید:

بر چهره‌ی گل نسیم نوروز خوش است در صحن چمن روی دل افروز خوش است
از دی که گذشت هر چه گویی خوش نیست خوش باش وز دی مگو که امروز خوش است

حافظ در ستیغ غزل عرفانی با نگرشی عمیق در روزگاری که قحطی جود است و نباید آبروی خود را فروخت رنده این گونه می‌گوید:

ابر آذاری برآمد باد نوروزی وزید وجه می می خواهم و مطرب که میگوید رسید
شاهدان در جلوه و من شرمسار کیسه ام بار عشق و مفلسی صعب است میباید کشید
قحط جود است آبروی خود نمی باید فروخت باده و گل از بهای خرقة می باید خرید
با لبی و صد هزاران خنده آمد گل به باغ از کریمی گوئیا در گوشه‌ای بویی شنید
دامنی گرچاک شد در عالم رندی چه باک جامه‌ای در نیک نامی نیز می باید درید
این لطایف کز لب لعل تو می گفتم که گفت وین تطاول کز سر زلف تو من دیدم که دید
تیر عاشق کش ندانم بر دل حافظ که زد اینقدر دانه که از شعر ترش خون میچکید

آنگاه که قلندر عاشقان و مراد سالکان از راه می رسد جان را فدای عاشقان می کند و همراه رسول چمن گرد غریبان چمن در آمدن بهار خیمه می‌زند و جولان می‌دهد و با نعره ویرانگر خود بر طبل خانه‌ی عشق می‌کوبد. آری مولانا جلال‌الدین محمد بلخی بهار را این گونه استقبال می‌کند:

آمد بهار ای دوستان منزل سوی بستان کنیم گرد غریبان چمن خیزید تا جولان کنیم
آمد رسولی از چمن کاین طبل را پنهان مزن ماطبل خانه عشق را از نعره هاویران کنیم
بشنو سماع آسمان خیزید ای دیوانگان جانم فدای عاشقان امروز جان افشان کنیم
زنجیرها را بر دریم ما هر یکی آهنگریم آهن گران چون کلبتین آهنگ آتشدان کنیم
آتش در این عالم زنیم وین چرخ را بر هم زنیم وین عقل پای بر جانرا چون خویش سرگردان کنیم
کوبیم ما بی پا و سر گه پا به میدان گاه سر ما کی به فرمان خودیم تا این کنیم تا آن کنیم
خامش کنیم و خامشی هم مایه‌ی دیوانگیست این عقل باشد کاتشی در پنبه اش پنهان کنیم

پس آنگاه آخرین سنگر نشین غنای ادب فارسی جامی می‌گوید:

که این غنچه‌ی باز نشده و نشکفته چه پیام‌هایی سر بسته از دل و سینه‌های فکار و نژند با خود آورده است که در دل همین خاک نهفته بودند:

بگشای نقاب از رخ باد بهاران شد طرف چمن بزمگه باده گساران
شد لاله ستان گرد گل از بس که نهادند رو سوی تماشای چمن لاله عذاران
در موسوم گل توبه ز می دیر نیاید گشتند در این باغ و گذشتند هزاران
بین غنچه‌ی نشکفته که آورد به سویت سر بسته پیامی ز دل سینه فکاران



هر که زبان خویش از آبروی مردم نگاه دارد، روز قیامت خدا گناهان وی ببخشد. (نهج الفصاحه، حدیث ۲۸۵۸)

صائب تبریزی شاعر اندیشه‌های ناب طالب آن است که در نو بهار باید دو باره ایمان را تازه کرد که نشانی از صبح قیامت در روز اول عید آشکار میشود و چمن باصفا است تو نیز باصفا باش و سر از گریبان غم در آر و به شادی گرا:

بیا تازه کن ایمان به نو بهار امروز	که شد قیامت موعود آشکار امروز
شکوفه از شاخسار اختر ریخت	نشان صبح قیامت شد آشکار امروز
چمن چنان به صفاشد که هرنهالی را	توان کشید به آغوش جای یار امروز
بهشت نقد طلب می کنی اگر "صائب"	چو غنچه سر از گریبان برون آر امروز

بزرگ مرد معاصر شعر فارسی ملک الشعرا بهار خرمی و شادی خود در بهار را موقعی ارزشمند می‌داند که سر تا سر کشورش در این شادی سهیم باشند و اندوهی بر آنها مستولی نباشد:

رسید موکب نوروز و چشم فتنه غنود	درود باد بر این موکب خجسته درود
سپهر گوهر بارد همی به مینا درع	سحاب لولوپاشده می به سمین خود
به هر در نگری شادی بزد در دل	به هر که بر گزری اندهی کند بدرود
یکی است شاد به سیم و یکی است شاد به زر	یکی است شاد به چنگ و یکی است شاد به رود
همه به چیزی شادند و خرم اند و لیک	مرا به خرمی ملک شاد باید بود

شاعر شوریده دل محمد حسین شهریار در آرزوی آمدن یار در بهار نشسته و منتظر است که یارش در بهار به سراغش آید. چه زیبا است این انتظار:

بی تو ای دل نکند لاله به بار آمده باشد	ما در این گوشه‌ی زندان و بهار آمده باشد
نکند بی خبر از ما به در خانه‌ی پیشین	به سراغ غزل و زمزمه یار آمده باشد
ز دل آن زنگ کدورت زده باشد به کناری	باز با این دل آزردہ کنار آمده باشد
یار کو رفته به قهر از سرما هم ز سر مهر	شرط یاری که به پرسیدن یار آمده باشد
شهریار این سر و سودای تودانی به چه ماند	روزروشن که به خواب شب تار آمده باشد

مهدی اخوان ثالث شاعر چکامه‌ها و حماسه‌ها همراه مرغان سفر کرده که پس از سرما به آشیانه باز می‌گردند در جستجوی نشانهایی است که از هر کناری برسد و سفر کرده‌ها باز گردند و دوباره شور و حال زندگی بر گردد و عشق جوانه زند:

اردوی بهاران چو کاروانها	به شکوه در آمد به بوسه تانها
مرغان سفر کرده باز گشتند	آسوده ز سرما به آشیانه
سر خوش ز نشاط بهار بنگر	مرغابیکان را به آبدانها
بس لاله روشن به دشت دیدم	مشکین به یکی خالشان میانها
گر چشم گشایی به هر کناری	از جشن بهاران بود نشانه

نوشته حسین گل محمدی

برداشت از وبلاگ اختصاصی ایشان: <http://hassangolmohammadi.persianblog.ir>

بررسی غزل ۴۳۶ دیوان حافظ

- (۱) ز کوی یار می‌آید نسیم باد نوروزی
(۲) چو گل گر خرده یی داری خدا را صرف عشرت کن
(۳) سخن درپرده می‌گویم چو گل ازغنچه بیرون آی
(۴) میی دارم چو جان صافی و صوفی میکند عیش
(۵) طریق کام بخشی چیست؟ ترک کام خود کردن
(۶) ندانم نوحه قمری به طرف جویبار از چیست
(۷) جدا شد یار شیرینت کنون تنها نشین ای شمع
(۸) به بستان رو که از بلبل رموز عشق گیری یاد
(۹) نه حافظ میکند تنها دعای خواجه تورانشاه
(۱۰) جنابش پارسایان راست محراب دل و دیده

معانی لغات غزل (۴۳۶)

نسیم: بوی خوش.

چراغ دل: (اضافه تشبیهی) دل به چراغ تشبیه شده.

خرده: ریزه و ذرات کوچک هر چیز، پول خرد، و در اینجا مقصود گره های زرد و ریز پرچم های گل است که به پول خرد تشبیه شده است، قراضه،

زر و سیم اندک.

خدا را: به خاطر خدا.

غلط ها داد: دچار خطاها کرد، به راه غلط واداشت.

سودا: حرص، میل شدید.

در پرده گفتن: پوشیده سخن گفتن، به کنایه سخن گفتن، سر بسته سخن گفتن.

میر نوروزی: سابقاً در ایام نوروز به مدت پنج روز یعنی از روز نهم الی پایان روز سیزدهم فروردین در هر شهر و دیار یکی از افراد شوخ طبع را به نام

میر نوروزی انتخاب و نامبرده را بر تخت نشانیده و اوامر او را اجرا می کردند و روز نهم فروردین را به نام نوروز سلطانی می نامیدند و پس از پایان

روز سیزدهم این جشن و شادمانی نیز به پایان می رسید و حکومت میر نوروزی نیز پایان می یافته است.

بیرون آی: بیرون آی، بیرون می آی.

صافی: زلال، بی غش.

مبادا بخت بد، روزی: الهی بخت بد نصیب و روزی و قسمت نشود.

طرق: راه.

کام بخشی: کام دیگران برآوردن.

ترک کام کردن: از کامجویی چشم پوشیدن.

ترک: ۱- رها کردن، ۲- مثلی از پارچه متساوی الساقین که شش یا هشت یا دوازده عدد آن را طوری به هم می دوزند که رئوس آنها همه در یک

نقطه به هم رسیده و به صورت کلاه در می آید.

کز این ترک بردوزی: که از این ترکها به هم بدوزی و مقصود از ترک در این عبارت رها کردن و چشم پوشی از کامجویی هاست.

نوحه: مرثیه خوانی، آواز غم انگیز توأم با گریه و ناله.

قمری: کبوتر یا هو، پرنده یی از خانواده کبوتریان.

یار شیرین: هم نشین شیرین حرکات و در اینجا کنایه از عسل است که از موم جدا شده است.

رموز: جمع رمز، اسرار.



مدح آصفی: ستایش وزیری، مدح یک آصف.

خواهد جهان، عیدی و نوروزی: دنیا را مانند عید و نوروز می خواهد.

جناب: درگاه.

محراب: جایگاه نماز امام جماعت، کنایه از قبله و نقطه توجه در نماز.

جبین: پیشانی.

صبح خیزان: سحرخیزان.

معانی ابیات غزل (۴۳۶)

(۱) از کوی محبوب بوی خوش باد نوروزی می آید. اگر از این باد یاری بطلبی چراغ دل خود را برافروخته می داری.

(۲) برای خاطر خدا اگر اندکی زر و سیم داری در راه خوشی و شادمانی خرج کن که حرص مال اندوزی، قارون را به راههای خطا کشانید.

(۳) سخنی سر بسته و به صورت کنایه با تو در میان می نهم: تو مانند گل از غنچه به در خواهی آمد چرا که دوره حکومت (میر نوروزی) پنج روزی بیش نیست.

(۴) شرابی دارم که به مانند جان، زلال و روشن است و صوفی از آن بدگویی می کند. خدایا بدبختی و نفهمی نصیب و قسمت هیچ عاقلی نشود!

(۵) راه احسان با مردم کدام است؟ در ترک و رهایی کامجویی خود است. کلاه سروری و بزرگی کلاهی است که از این (ترک = رها کردن) ها بدوزی.

(۶) نمی دانم نوحه گری قمری در کنار جویبار برای چیست؟ شاید او هم مانند من یک غم دائمی دارد.

(۷) ای شمع یار شیرین هم نشینت از تو جدا شد و حالا دور از او تنها بنشین که چه بسوزی و چه بسازی این حکم سرنوشت است.

(۸) به باغ برو تا اسرار عشق و عاشقی را از بلبل بیاموزی و به مجلس درآی تا شیوه غزل سرایی را از حافظ یاد بگیری.

(۹) حافظ تنها دعای خواجه تورانشاه نمی کند، بلکه با این کار می خواهد دنیا مانند روز عید و نوروز خوش و خرم باشد.

(۱۰) درگاه او به مانند محراب دل و دیده پارسایان عابد و پیشانیش برای سحرخیزان به مانند روز فتح و فیروزی است.

شرح ابیات غزل (۴۳۶)

وزن غزل: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

بحر غزل: هزج مثنیٰ سالم

*

همانطور که در تواریخ دوره آل مظفر ثبت است رکن الدین شاه حسن رقیب تورانشاه با تهمت زدن و اقدامات ناروا سوء ظن شاه شجاع را بر علیه وزیر خود برانگیخت و به او تهمت همدستی با شاه محمود بر علیه شاه را زده و در نتیجه شاه شجاع وزیر لایق خود را به زندان افکند. این غزل به هنگام گرفتاری و حبس و بند خواجه تورانشاه و در بزرگداشت و دلداری این شخصیت سروده شده است و زمان آن به سال ۷۷۰ هجری بر می گردد. حافظ در بیت سوم این غزل به طرز ماهرانه ای به تورانشاه نوید آزادی از قید و بند را داده و به او می گوید دوران حکومت میر نوروزی بیش از پنج روزی نیست و به زودی امور به مجرای طبیعی خود بر خواهد گشت.

دو نکته درباره این بیت قابل ذکر است. یکی اینکه در مصراع: سخن در پرده می گویم چو گل از غنچه بیرون آی منظور حافظ دستور دادن و امر کردن به تورانشاه نیست که از پرده به بیرون بیا زیرا بیرون آمدن از زندان در اختیار خود او نیست. بلکه حافظ در این مصراع صراحتاً به وزیر می گوید که پیش بینی می کنم و به طور سر بسته با تو می گویم که به زودی چو گل از غنچه بیرون خواهی آمد و در واقع (آی) در این جمله معنای (آیی و می آیی) را افاده می کند.

مطلب دیگر درباره حکومت پنج روزه و موقت میر نوروزی است. اساتید محترم مخصوصاً شادروان قزوینی این مطلب را شرح داده اند و نکته یی که گفتن آن ضرورت دارد این است که رسم نوروز سلطانی که از روز نهم فروردین به مدت پنج روز یعنی تا پایان روز سیزدهم جریان داشته و در این مدت یک مرد سرشناس و شوخ طبع در هر شهر و دیار توسط مردم بر تخت سلطنت می نشست و به صورت نمایشی به امر و نهی مشغول و ادای سلاطین و حاکمین را در می آورده است یک رسم عبرت آموز بوده که مردم از حاکم و سلطان تنقید کرده و به طور غیر مستقیم سلاطین و حکام را به اشتباهات و زیاده روی های خود توجه می داده اند به همین خاطر روز نهم فروردین به نام نوروز سلطانی مشهور بوده و در ایام خردسالی این نویسنده، مردم یزد این روز را به باغ و صحرا رفته و به چوگان بازی مشغول می شدند. پس در این بیت معنای ظاهری میر نوروزی یعنی سلطان بهار و بیت چنین معنا می دهد که هر چه زودتر مانند گل باز شو که فصل بهار کم دوام و گذراست و معنای بعید و ایهام آن همان است که در بالا گفته شد.

شاعر در بیت هفتم به نحو دیگری بر این حبس و بند تورانشاه اشارت دارد و از آنجا که جوانان امروزی ممکن است تناسب بین شمع و شیرینی را در نیابند نخست به شرح آن پرداخته و سپس کنایه این بیت را از نظر می گذرانیم.

پیش از آنکه نفت و استحصال آن از جمله پارافین جامد کشف شود، سالیان درازی شمع را از موم گرفته شده از عسل می ساختند که رنگ آن شمع ها خاکستری تیره بوده و موقع سوختن با بوی بد همراه و هر ساعت یکبار بایستی سرفتیله آن را اصلاح کنند و برای این کار مقرضی کنار شمع می نهاده اند. پس از کشف نفت و پارافین جامد، تحولی در صنعت شمع سازی ایجاد و شمع های سفید به نام شمع گچی، همانند شمع های





امروزی ساخته شد و به سبب پیشرفت صنعت شیمی، فتیله شمع را نخست در محلول اسید بوریک که حلال خاکستر است خوابانیده و بدینوسیله از بد سوختن و جمع شدن خاکستر در سر فتیله جلوگیری به عمل آوردند.

بنابراین در زمان حافظ شمع های مومی متداول بوده و شاعر به این نکته اشاره دارد که ای شمع یار شیرین تو یعنی عسل تو از تو جدا شده و در حال حاضر بایستی در فراق او تنها نشسته بسوزی و بسازی که این حکم سرنوشت است و کنایه این بیت این است که ای تورانشاه به حکم قضای آسمانی از شاه شجاع دور افتاده ای و این نصیب و قسمت بوده و باید با آن بسازی.

در پایان با ذکر این نکته که شجاعت ذاتی و اخلاقی حافظ را می توانیم از تعریف و تمجید او از وزیری که مورد غضب شاه وقت بوده دریابیم و نیز به این نکته توجه نماییم که حافظ در این غزل دو مضمون را از نظامی گرفته و به صورت دیگری در ابیات اول و دوم پشت سر هم آورده است.

۱- نظامی در هفت پیکر می گوید:

به که پیشش چراغ نفروزی [

] گر بود بادِ بادِ نوروزی

۲- و در مخزن الاسرار می فرماید:

تات نخوانند چو گل زرپرست [

] پای کرم بر سر گل نه دست

از کتاب شرح جلالی بر حافظ نوشته دکتر عبدالحسین جلالیان

دو غزل به مناسبت فرا رسیدن فصل بهار و عید باشکوه نوروز:

قصد جان می کند این عید و بهارم بی تو
این چه عیدی و بهاری است که دارم بی تو
گیرم این باغ، گلاگل بشکوفد رنگین
به چه کار آیدم ای گل! به چه کارم بی تو؟
با تو ترسم به جنونم بکشد کار ای یار
من که در عشق چنین شیفته وارم بی تو
به گل روی تماش در بگشایم ورنه
نکند رخنه بهاری به حصارم بی تو
گیرم از هیمه زمرد به نفس رویانده است
بازهم باز بهارش نشمارم بی تو
با غمت صبر سپردم به قراری که اگر
هم به دادم نرسی، جان بسپارم بی تو
بی بهار است مرا شعر بهاری، آری
نه همین نقش گل و مرغ نیارم بی تو
دل تنگم نگذارد که به الهام لببت
غنچه ای نیز به دفتر بنگارم بی تو



بوی باران، بوی سبزه، بوی خاک
شاخه‌های شسته، باران خورده، پاک
آسمانِ آبی و ابر سبید
برگهای سبزی بید
عطرِ نرگس، رقصِ باد
نغمه‌ی شوقِ پرستوهای شاد
خلوتِ گرم کبوترهای مست
نرم نرمک می‌رسد اینک بهار
خوش به حال روزگارا!
خوش به حال چشمه‌ها و دشت‌ها
خوش به حال دانه‌ها و سبزه‌ها
خوش به حال غنچه‌های نیمه باز
خوش به حال دختر میخک که می‌خندد به ناز
خوش به حال جام لبریز از شراب
خوش به حال آفتاب
ای دل من گرچه در این روزگار
جامه‌ی رنگین نمی‌پوشی به کام
باده‌ی رنگین نمی‌نوشی ز جام
نقل و سبزه در میان سفره نیست
جامت از آن می‌که می‌باید تهی است
ای دریغ از تو اگر چون گل نرقصی با نسیم
ای دریغ از من اگر مستم نسازد آفتاب
ای دریغ از ما اگر کامی نگیریم از بهار
گر نکوبی شیشه غم را به سنگ
هفت رنگش می‌شود هفتاد رنگ



موج نو

شعر موج نو نه تنها وزن عروضی ندارد بلکه آهنگ و موسیقی آن حتی مانند شعر سپید هم مشخص نیست و در حقیقت فرق آن با نثر در معنای آن است. در شعر سپید تشبیهات و استعارات با زبان شعر بیان می شود و جز لطافت و تاثیرگذار معنوی، در ظاهر فرقی با نثر ندارد.

نمونه ی شعر موج از احمد رضا احمدی:

"قلب تو".....

قلب تو هوا را گرم کرد
در هوای گرم
عشق ما تعارف پذیر بود و
قناعت به نگاه در چاه آب
**

مردم که در گرما
از باران آمدند
گفتی از اطاق بروند
چراغ بگذارند
من تو را دوست دارم

ای تو
ای تو عادل
تو عادلانه غزل را
در خواب
در ظرف های شکسته
تنها نمی گذاری
در اطراف انفجار
یک شاخه له شده انگور است
قضاوت فقط از توست

شاخه ابریشم را از چهره ات بر می دارم
گفتم از توست
گفتی: نه باد آورده است

هنگام که در طنز خاکستری زمستان
زمین را تازینانه می زدی



هفت سین مدیران*



امروزه ضرورت و اهمیت پاکیزگی محیط کار، زندگی و جامعه و همچنین قرار گرفتن وسایل و امکانات مورد نیاز در محل مناسب به منظور دسترسی آسان به آن بر کسی پوشیده نیست. محیط پاکیزه، سالم و شاداب از نظر روحی و روانی و ایجاد انگیزه در کارکنان نیز موثر است.

هفت سین اداری، یا آنچه در ژاپن به سیستم 5S و در کشورهای پیشرفته صنعتی غرب به *HOUSE KEEPING* معروف شده، مجموعه‌ای از معیارهایی است که رعایت و اجرای آن موجب به وجود آمدن کیفیت محیط کار در سازمان‌ها می‌شود.

(5S) از اولین حروف ۵ واژه ژاپنی گرفته شده که به ۵ سین فارسی مترادف و هم معنی شده است.

۱. سوا کردن و دور کردن (سئی ری) *seiri*

منظور از این معیار، تشخیص وسایل ضروری از غیر ضروری و دور کردن وسایل غیر ضروری از محیط کار است.

۲. سامان دادن و مرتب چیدن (سئی تون) *seiton*

منظور از این مورد، محل و روش مناسب نگهداری و چیدن لوازم، تجهیزات و ابزار کار در انبار یا در ایستگاه کاری به منظور آسانی و راحتی دسترسی و برگرداندن آنهاست.

۳. سپیدی و پاکیزگی (سئی سو) *seiso*

یعنی پاکیزگی انسان، ماشین و ابزار، مواد و محیط کار. نکته‌ای که در اینجا باید بر آن تاکید کنیم آن است که پاکیزگی از دو چیز حاصل می‌شود:

۱- کثیف و آلوده نکردن و ریخت و پاش نکردن.

۲- پاکیزه نمودن قسمتهای کثیف و آلوده و جمع و جور کردن.

۴. سعی در حفظ وضع مطلوب (سئی کتسو) *seiketsu*

منظور از این مرحله، اطمینان از اجرای معیارهای مراحل قبلی برای رعایت سلامتی و ایمنی و زیبایی محیط کار است که پاکیزگی مقدمه بهداشت است، اما کاملاً با آن متفاوت است. منظور از بهداشت، تنها بهداشت ظاهری محیط کار نیست، بلکه مجموعه بهداشت محیط کار و بهداشت جسمی و روحی همه کارکنان را نیز در بر می‌گیرد و از همین رو بسیاری معتقدند که اجرای سه ((سین)) اول به بالا بردن روحیه در محیط کار و در نتیجه به بهداشت روانی کارکنان کمک می‌کند.

۵. سازمان یافتگی و انضباط (شیتسوکه) *shitsuke*

گاهی در اهمیت این ((سین)) آن قدر تاکید می‌شود که می‌گویند نظام ((هفت سین اداری)) با ادب، نزاکت و انضباط آغاز و با آن پایان می‌یابد.

وقت شناسی، رعایت کامل دستورالعمل‌ها و مقررات، حفظ احترام متقابل، انجام به موقع و طبق استاندارد تولید، تعمیر، نظافت، حفظ ظاهر آراسته استفاده از وسایل و تجهیزات ایمنی، رعایت سلسله مراتب، عدم ایجاد درگیری لفظی و غیر لفظی با همکاران و رعایت بسیاری دیگر از نکات اخلاقی و رفتاری از جمله معیارهایی هستند که در این ((سین)) مورد نظر است.

درباره‌ای از شرکت‌های ژاپنی از جمله در کارخانه *ISUZU* دو اصل دیگر را به آن افزوده اندواین نظام را در آن کارخانه‌ها به صورت (SV) یا (۷ سین فارسی) اجرامی کنند. این دو اصل عبارتند از:



۶. سخت کوشی (شیکاری یارو) shikkariyaru

اجرای سین ششم و هفتم برای ادامه و نگهداشت پنج سین دیگر لازم و ضروری است اگر سین ششم و هفتم اجرا نشود سایر سین ها نیز مداوم نخواهند بود. بدون تلاش و سخت کوشی نمی توان نظام آراستگی را در محیط کار پیاده کرد.

۷. سماجت در انجام کار خوب تا مرز عادت (شوکان) shukkun

شکستن عادت ها و سنت ها بسیار مشکل و همراه با مقاومت خواهد بود برای شکست عادات باید از هیچ تلاش و پی گیری دریغ نکرد زیرا نظام آراستگی مثل یک کشی است که کشیده شده اگر مراقبت نشود فوراً به جای اول خود باز می گردد.

برای نظام هفت سین اداری مزایایی قائل شده ان که عمده آنها به شرح زیر است:

- بالا رفتن روحیه کارکنان و علاقه مندی به محیط کار
- بهبود ایمنی و بهداشت محیط کار
- کاهش میزان خرابی ماشین آلات
- کاهش هزینه ها
- افزایش راندمان و کارایی
- تثبیت و بهبود کیفیت و بهره وری در سازمان
- اعمال و بهبود روش کنترل های مدیریتی به مدد مشارکت جمعی و تقویت خود کنترلی همه همکاران
- ارتقای رضایت مندی مشتری
- زمینه ساز اجرای TQM و سایر برنامه های بهبود در سازمان

www.torkamon.blogfa.com

سخن بزرگان مدیریت:

تفاوت سکه و ایده در این است که اگر من یک سکه و شما نیز یک سکه داشته باشید و سکه هایمان را با هم جابه جا کنیم باز هر کدام از ما یک سکه خواهیم داشت اما اگر شما یک ایده و من یک ایده داشته باشیم و آن ها را با هم مبادله کنیم هر کدام دارای دو ایده خواهیم بود. جهان و محیط اطرافمان در حال تغییر است و در چنین شرایطی هیچ چیز خطرناک تر از دل بستن به کامیابی های دیروز نیست (الوین تافلر)

فراگیری فردی یک ضرورت است اما برای فراگیری سازمان کافی نیست. مدیرانی که مهارت های لازم و فوق العاده در برقراری ارتباطات دارند توانایی نهان سازی مشکلات را هم دارند. (کریس آرچریس)

اگر فقط ۵۱ درصد از زمان کاری خود را درست کار کنید قهرمان هستید. (آلفرد اسلوان)

مدیر موفق کسی است که همواره پرسش کند؟ قدرت در تلاش جمعی کارکنان و رهبری کوشش های همگان است. (وارن بنیس)

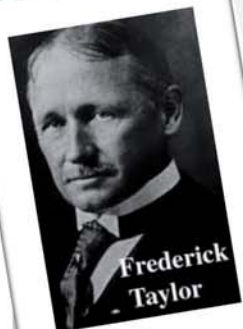
پیروزی های اقتصادی و ملی ارثی نیستند باید آن ها را به وجود آورد. (مایکل پورتر)

مدیر همان مجری است و در مرکز تمام فعالیت های یک سازمان قرار دارد. (تام پیترز)

گفتگو درباره تغییر آسان تر از تغییر دادن است و البته مشاوره سهل تر از مدیریت است. (الوین تافلر)

تغییر یعنی حرکت و حرکت حقیقتی است که گام پیشین را پاک می کند. (آلفرد چندلر)

بیشترین هوش آن است که جهان را آن طور که هست ببینیم نه آن طور که می خواهیم. (پیتر دراگر)



Frederick Taylor



داستان کوتاه هزینه آموزش

یکی از کارکنان شرکت «آی. بی. ام» اشتباه بزرگی مرتکب شد و مبلغ ده میلیون دلار به شرکت ضرر زد. این کارمند به دفتر واتسون (بنیان گذار شرکت «آی. بی. ام») احضار شد و پس از ورود گفت: «تصور می‌کنم باید از شرکت استعفا دهم.» تام واتسون گفت: شوخی می‌کنید ما همین الان مبلغ ده میلیون دلار بابت آموزش شما پول دادیم!!!

داستان کوتاه راز بقا

شیر آفریقایی هر شب که می‌خواهد می‌داند که فردا باید از کندترین غزال آفریقایی کمی تندتر بدود تا از گرسنگی نمیرد. و غزال آفریقایی هر شب که می‌خواهد می‌داند که فردا باید از تندترین شیر آفریقایی کمی تندتر بدود تا کشته نشود. مهم نیست که تو شیر هستی یا غزال، مهم این است که فردا را از امروز تند تر بدوی. این راز بقاست.

چگونه هنگام تصمیم‌گیری بر احساسات غلبه کنیم؟

وقتی می‌خواهید تصمیم بزرگی اتخاذ کنید، در صدر جایگاهی قرار می‌گیرید که به شدت احساس تنهایی می‌کنید. اما به‌عنوان رهبر یک بنگاه، تنها تصمیم گرفتن شرایط را سخت‌تر می‌کند. فشارهای موجود، خیلی زود به ترس تبدیل می‌شود و تحت تاثیر احساسات نمی‌توانید تصمیم واضحی بر اساس واقعیت‌ها بگیرید. فریک ورمولن، نویسنده و استادیار مدرسه کسب و کار لندن، می‌گوید: این طبیعی است که رهبران کسب و کار تصمیمات بدی بگیرند و بیشتر اوقات احساسات بر آنها غلبه می‌کند. او در این باره می‌گوید: «چه در مورد انتخاب‌های شخصی و چه تصمیم‌های استراتژیک کسب و کار، احساسات بر تصمیم‌های شما اثر می‌گذارد. به هر حال، مدیران هم انسان هستند و انتخاب‌های استراتژیک به دلیل اهمیتی که دارند، با استرس و ابهام همراه است. بنابراین، افراد هنگام این تصمیم‌گیری‌ها ناخودآگاه به صدای قلبشان گوش می‌دهند.» او سه نکته را معرفی کرده که بر اساس آن می‌توانید بر احساسات هنگام تصمیم‌گیری غلبه کنید.

قوانین تصمیم‌گیری خودتان را ایجاد کنید

پیشنهاد ورمولن این است که مجموعه قوانین واضح و بی‌طرفانه‌ای برای تصمیم‌گیری‌های آینده بنویسید. او داستان شرکت اینتل را مثال می‌زند که وقتی فقط بر تولید تراشه‌های حافظه متمرکز بود، مدیران شرکت «قانون تخصیص ظرفیت تولید» را ایجاد کردند تا در آینده در مورد اینکه کدام محصول در بخش تولید اولویت می‌گیرد، تصمیم درست اتخاذ کنند. وقتی تراشه‌ها شروع به ضرردهی کردند، گوردون مور، از موسسان شرکت که تراشه‌ها را اولین محصول شرکت می‌دانستند و تعلق خاطر احساسی به آن داشتند، با قطع تولید آن مخالفت کرد. اما بر اساس قوانینی که تعیین شده بود، مدیران شرکت به این نتیجه رسیده بودند که کارخانه باید بر «ریزپردازنده‌ها» متمرکز شود. این انتخاب استراتژیک و غلبه بر احساسات، باعث نجات کارخانه قبل از بروز مشکلی حاد شد.

تنها تصمیم نگیرید

ورمولن مدیران را به «بهربرداری از خرد نیروهای داخلی شرکت» تشویق می‌کند. تونی کوهن، مدیرعامل سابق شرکت رسانه‌ای «فریمنتل مدیا» که برنامه‌های معروف تلویزیونی تولید می‌کند، می‌گوید هیچ‌گاه در مورد اینکه شرکت باید بر کدام برنامه جدید سرمایه‌گذاری کند، تنها تصمیم نمی‌گیرد. او سیستمی داشت که نظر مدیران ارشد شرکت را در سراسر دنیا جمع می‌کرد و به صورت اتوماتیک روی برنامه‌هایی سرمایه‌گذاری می‌شد که اکثریت آنها پسندیده‌اند.

از رویکرد «در گردان» استفاده کنید.

رویکرد «در گردان» تکنیکی است که بر استفاده از یک چشم‌انداز خارجی تاکید دارد. مدیر بخش مهندسی شرکت اینتل در آن شرایط از گوردون مور پرسیده بود که اگر تیم مدیریتی جدیدی وارد شرکت شود، در این باره چه تصمیمی می‌گیرد؟ پاسخ مور مشخص بود: «تولید تراشه‌ها را متوقف می‌کند و محصول دیگری تولید می‌کند.»

بنابراین، استفاده از چشم‌انداز شخص سوم، شما را در جایگاه بی‌طرفانه‌ای برای قضاوت قرار می‌دهد و بر اساس حقایق و پیش‌بینی عواقب می‌توانید تصمیم درستی بگیرید.

انجمن مدیریت جهانگردی معرفی کتاب

تهیه کننده: مهدی هفت برادران*

برنامه ریزی ملی و منطقه ای جهانگردی

سازمان جهانی جهانگردی، محمود عبدالله زاده (مترجم)

تعداد صفحه: ۳۱۲

نشر دفتر پژوهشهای فرهنگی



سیاستگذاری جهانگردی

جان مایکل جنکینز، کالین مایکل هال، داود ایزدی (مترجم) سید محمد اعرابی (مترجم)

تعداد صفحه: ۱۲۴

نشر: دفتر پژوهشهای فرهنگی





مناسبت‌ها در فصل بهار

سالروز وفات حضرت ام البنین مادر گرامی حضرت عباس (علیه السلام)

نام "فاطمه" و کنیه "ام البنین" (مادر پسران) است. پدرش حزام، و مادرش ثمامه یا لیلاست. همسرش علی بن ابی طالب علیه السلام و فرزندان‌ش عباس علیه السلام، عبدالله، جعفر و عثمان هستند که هر چهار نفر در سرزمین کربلا و در رکاب امام حسین علیه السلام به شهادت رسیدند. آرام گاه وی در مدینه منوره و قبرستان بقیع است.

به مناسبت ولادت فاطمه زهرا علیها السلام



عطر آگین شدن دنیا با تولد یاس

عطر شورانگیز غزل‌ها طرحی از عطر توست
جلوه‌ی آینه‌ها از تصویر توست که در سینه دارند
بهار با همه دلبری‌اش، تمام زیبایی‌اش را از تو وام می‌گیرد
بانوی سپید شعر من فاطمه (س)!!!
ملایک، بال در بال، گستره‌ی آسمان را برای قدوم تو مهیا کرده‌اند
برگ‌های تمام درختان به یمن دیدار تو سبز گشتند
و سبزی و طراوت را به جهان تقدیم کردند

نخستین روز اردیبهشت، روز بزرگداشت استاد

سخن، شیخ اجل سعدی شیرازی است.

به نقل از دانش‌نامه ویکی‌پدیا، ابومحمد مصلح بن عبدالله مشهور به سعدی شیرازی شاعر و نویسنده پارسی‌گوی ایرانی، حدود ۵۸۵ یا حدود ۶۰۶ متولد و در ۶۷۱ یا ۶۹۱ هجری قمری درگذشت. مقام او نزد اهل ادب تا بدان‌جاست که به وی لقب استاد سخن داده‌اند.

سعدی در شیراز متولد شد. پدرش در دستگاه دیوانی اتابک سعد بن زنگی، فرمانروای فارس شاغل بود. هنوز طفل بود که پدرش درگذشت. در دوران کودکی با علاقه زیاد به مکتب می‌رفت و مقدمات علوم را می‌آموخت. هنگام نوجوانی به پژوهش و دین و دانش علاقه فراوانی نشان داد.

ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز
که آن سوخته را جان شد آواز نیامد
این مدعیان در طلبش بیخبرانند
که آن را خبری شد خبری باز نیامد



بزرگداشت عطار

از شعرای نام‌آور ایران در قرن ششم و هفتم هجری قمری، عطار نیشابوری است. وی در حدود سال ۵۴۰ در روستای «کدکن» یا «شادیاخ» از کناره‌های نیشابور، دیده به جهان گشود. پدر و مادر او، افرادی صالح و ارادت‌مند خواجه کائنات حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بودند. از این رو، فرزند دل‌بند خود را، هم نام حضرت ختمی مرتبت «محمد» نهادند تا این نام نیکو در شخصیت و کمال و الگوپذیری او نقشی بسزا و ارزشمند داشته باشد. عطار درباره نام خود در مصیبت‌نامه می‌نویسد:

من محمد نامم و این شیوه نیز ختم کردم چون محمد ای عزیز
وی که پرورش خود را وام دار چنین پدر و مادری می‌دانست، از آنان به نیکی یاد می‌کرد؛ در اسرار نامه پس از ستایش پدر، دعای او را هنگام جان دادن و آمین مادرش را این گونه بیان می‌کند:

عقل کجایی برد شیوه‌ی سودای عشق؟
باز نیایی به عقل سر معمای عشق
عقل تو چون قطره‌ایست مانده ز دریا جدا
چند کند قطره‌ای فهم ز دریای عشق؟
عشق چو کار دل است دیده‌ی دل باز کن
جان عزیزان نگر مست تماشای عشق

بزرگداشت شیخ بهائی

در عرف مردم ایران، شیخ بهائی به مهارت در ریاضی و معماری و مهندسی معروف بوده و هنوز هم به همین صفت معروف است، چنانکه معماری مسجد امام اصفهان و مهندسی حصار نجف را به او نسبت می‌دهند.

بهاء الدین محمد بن عزالدین حسین بن عبدالصمد بن شمس الدین محمد بن حسن بن محمد بن صالح حارثی همدانی عاملی جیبی (جیبائی) معروف به شیخ بهائی در سال ۹۵۳ ه. ق ۱۵۴۶ میلادی در بعلبک متولد شد.

بهائی آثار برجسته‌ای به نثر و نظم پدید آورده است. وی با زبان ترکی نیز آشنایی داشته است. عرفات العاشقین (تألیف ۱۰۲۲-۱۰۲۴)، اولین تذکره‌ای است که در زمان حیات بهائی از او نام برده است.

بهترین منبع برای گردآوری اشعار بهائی، کَشکول است تا جائی که به عقیده برخی محققان، انتساب اشعاری که در کَشکول نیامده است به بهائی ثابت نیست. از اشعار و آثار فارسی بهائی دو تألیف معروف تدوین شده است؛ یکی به کوشش سعید نفیسی با مقدمه‌ای ممتنع در شرح احوال بهائی، دیگری توسط غلامحسین جواهری و جدی که مثنوی منحول «رموز اسم اعظم» (ص ۹۴ - ۹۹) را هم نقل کرده است. با این همه هر دو تألیف حاوی تمام اشعار و آثار فارسی شیخ نیست.

همه شب نماز خواندن، همه روز روزه رفتن
همه ساله از پی حج سفر حجاز کردن

زمینه تا به کعبه سر و پا برهنه رفتن
دو لب از برای لبیک به گفته باز کردن
شب جمعه‌ها نخفتن، به خدای راز گفتن
ز وجود بی نیازش طلب نیاز کردن

یکم رجب و ۱۱ اردیبهشت میلاد امام محمد باقر (ع)

امام باقر و امام صادق علیهما السلام بنیان‌گذاران دانشگاه اهل البیت هستند که حدود شش هزار رساله علمی از فارغ التحصیلان آن به ثبت رسیده است.

ایشان در علم آموزی مردم را به طریق صحیح رهنمون می‌کردند و می‌فرمودند: «علم سلاحی است علیه دشمنان.» در عین حال به ممنوعیت سوء استفاده از دانش اذعان داشتند و می‌فرمودند: کسی که با انگیزه‌ای نادرست به دانش دست یافته باشد هر چند از عهده‌کاری برآید، از نظر روحی شایستگی تصدی امور و ریاست را ندارد.

امام باقر علیه السلام با آن که همواره مومنین را به کسب علم دعوت می‌نمودند، ولی همواره سفارش می‌کردند که: خداوند متعال از قیل و قال و تباه نمودن مال و زیاد سوال کردن نهی می‌نماید، زیرا هر انسانی ظرفیت تحمل پاسخ برخی سوالات را ندارد.

امام باقر علیه السلام نه فقط در علوم اسلامی شهره آفاق بود، بلکه دارای شخصیتی عظیم در سایر علوم بودند.

منبع: شیفتگان مکتب اهل بیت - محمد فوزی.





۱۲ اردیبهشت شهادت استاد مرتضی مطهری و روز معلم

معلم عزیز، استاد بزرگوار، تو را به چه مانند کنم. دل دریابیت لبریز از آرامش است همچون کوه استوار از حوادث روزگار ایستاده‌ای و همچون ابر، باران پر شکوه معرفت بر چمن‌های دشت دانش آموختگی فرو می ریزی. خورشید نگاهت گرمابخش وجود ما و حرارت کلبه‌ی سرد یأس و ناامیدی و ارمغان شور و شغف است. غنچه‌ی تبسمی که از گلستان لبهای تو می‌روید، طراوت لحظه‌های ایهام و زیبایی بخش خانه‌ی وجود ماست. کلام روح بخش و دلنشین تو موسیقی دلنوازی است که بر گوش جان می‌نشیند و آهنگ زندگی را به شور در می‌آورد. روانی به لطافت گلبرگهای ارغوان داری که از احساس و شور و شغف لبریز است. دستهای روشن سبیدی خود را از گل بوسه‌های گچ گرفته و شمع وجودت از نیروی ایمان و انسانیت شعله ور است.

تو روشنایی بخش تاریکی جان هستی و ظلمت اندیشه را نور می‌بخشی. «و ما یستوی الاعمی والبصیر. و لا الظلمات و لا النور» و هرگز کافر تاریک جان کور اندیش با مومن اندیشمند خوش بینش یکسان نیست و هیچ ظلمت با نور یکسان نخواهد بود.

چگونه سپاس گویم مهربانی و لطف تو را که سرشار از عشق و یقین است. چگونه سپاس گویم تأثیر علم آموزی تو را که چراغ روشن هدایت را بر کلبه‌ی محقر وجودم فروزان ساخته است. آری در مقابل این همه عظمت و شکوه تو مرا نه توان سپاس است و نه کلام وصف. تنها پروانه‌ی جانم بر گرد شمع وجودت، عاشقانه چنین می‌سراید:

گفت استاد مبر درس از یاد

یاد باد آن چه مرا گفت استاد

یاد باد آن که مرا یاد آموخت

آدمی نان خورد از دولت یاد

هیچ یادم نرود این معنی

که مرا مادر من، نادان زاد

پدرم نیز چو استادم دید

گشت از تربیت من آزاد

پس مرا منت از استاد بود

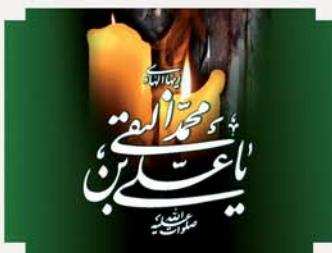
که به تعلیم من استاد استاد

هر چه می دانست آموخت مرا

غیر یک اصل که نا گفته نهاد

قدر استاد نکو دانستن

حیف استاد به من یاد نداد



شهادت حضرت امام علی النقی (ع):

در سوم رجب سال ۲۵۴ هجری قمری، حضرت امام علی النقی (ع) دهمین ستاره درخشان آسمان ولایت و امامت به درجه رفیع شهادت نایل آمدند. مشهورترین القاب ایشان نقی و هادی است. امام علی النقی (ع) در هشت سالگی پدر بزرگوار خود را از دست دادند و از آن هنگام هدایت و ارشاد امت مسلمان را به عهده گرفتند.



دهم رجب (۲۰ اردیبهشت) میلاد امام جواد (ع)

سلام بر امام جواد (ع) که «جود» قطره ای بود در پیشانی بلندش و «علم» غنچه ای بود از گلستان وجودش و «حلم» گوهری بود از گنجینه فضایلش. زینت بخشندگان، امام جواد (ع) می آید تا زمین مدینه یک بار دیگر، مولودی دیگر از نسل هابیل را به شادباش بنشیند، می آید تا چشمان آسمان به روشنی سیمایش روشن شود و لاهوتیان را در شادی میلاد خویش فرو برد.

روز بزرگداشت شیخ صدوق (۱۵ اردیبهشت)

محمد بن علی بن بابویه قمی معروف به "ابن بابویه"، "محمد بن بابویه" و "شیخ صدوق" نامی ترین دانشمند گرانمایه و بزرگوار و فقیه و محدث عالیقدر شیعه در نیمه دوم سده چهارم هجری است. شیخ صدوق و برادرش حسن با دعای حضرت امام زمان (ع) از نواب اربعه یعنی ثقه ی جلیل القدر عثمان بن سعید عمری، پس از حدود پنجاه سال نیابت، حضرت بدرود حیات گفت، و حسین بن روح نوبختی به عنوان نائب سوم امام زمان (عج) عهده دار وساطت بین شیعیان و حضرت گردید. علی بن بابویه قمی که پیشوای علمای قم بود، وارد بغداد شد. چون تا آن زمان صاحب فرزندی نشده بود و از این نظر رنج می برد، لذا فرصت را غنیمت شمرد و طی نامه ای که به حسین بن روح تسلیم نمود از او خواست تا هنگام تشریف به حضور امام زمان (عج) به آن وجود مقدس تقدیم دارد. وی در آن نامه اشتیاق خود را به داشتن پسری ابراز داشته و از حضرت خواسته بود برای او دعا کند تا خداوند پسری به او روزی نماید. جواب امام زمان علیه السلام هم به او رسید که برای تو دعا کردم و به زودی خداوند پسری، و به روایتی، پسرانی فقیه و پاک سرشت به تو روزی خواهد کرد...

۱۹ اردیبهشت روز بزرگداشت شیخ کلینی

ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحق رازی معروف به «ثقه الاسلام»، «شیخ مشایخ شیعه»، «رئیس محدثان علمای امامیه»، از مروجین مذهب شیعه در دوران غیبت امام زمان بود. وی صاحب کتاب «کافی» -یکی از کتب اربعه- است که در عقاید اسلامی مرجع مهمی برای محققین و علما به شمار می آید. به تصدیق شیخ مفید، کتاب «کافی» ارزشمندترین کتاب اسلامی و نفیس ترین کتاب شیعه است. «کافی» شامل شانزده هزار و یکصد و نود و نه حدیث است که طی سه قسمت «اصول» و «فروع» و «روضة» تدوین شده است. کلینی اولین محدثی بود که به جمع و نظم و ترتیب اخبار دینی پرداخت.





۱۳ رجب (۲۳ اردیبهشت) ولادت امام علی (ع)

حضرت علی (ع) نخستین فرزند خانواده هاشمی است که پدر و مادر او هر دو فرزند هاشم‌اند. پدرش ابوطالب فرزند عبدالمطلب فرزند هاشم بن عبدمناف است و مادر او فاطمه دختر اسد فرزند هاشم بن عبدمناف می‌باشد. خاندان هاشمی از لحاظ فضائل اخلاقی و صفات عالیله انسانی در قبیله قریش و این طایفه در طوایف عرب، زبانزد خاص و عام بوده‌است. فتوت، مروت، شجاعت و بسیاری از فضایل دیگر اختصاص به بنی‌هاشم داشته است.

فاطمه دختر اسد به هنگام درد زایمان راه مسجدالحرام را در پیش گرفت و خود را به دیوار کعبه نزدیک ساخت و چنین گفت:

"خداوندا! به تو و پیامبران و کتابهایی که از طرف تو نازل شده‌اند و نیز به سخن جدم ابراهیم سازنده این خانه ایمان راسخ دارم. پرودگارا

! به پاس احترام کسی که این خانه را ساخت، و به حق "کودکی که در رحم من است، تولد این کودک را بر من آسان فرما! لحظه‌ای نگذشت که دیوار جنوب شرقی کعبه در برابر دیدگان عباس بن عبدالمطلب و یزید بن تغف شکافته شد.

فاطمه وارد کعبه شد، و دیوار به هم پیوست. فاطمه تا سه روز در شریفترین مکان گیتی مهمان خدا بود و نوزاد خویش سه روز پس از سیزدهم رجب سی‌ام عام الفیل فاطمه را به دنیا آورد.

دختر اسد از همان شکاف دیوار که دوباره گشوده شده‌بود بیرون آمد و گفت "پیامی از غیب شنیدم که نامش را "علی" بگذار

ای علی که جمله عقل و دیده‌ای

تیغ حلمت جان ما را چاک کرد

بازگو دانم که این اسرار هوست

راز بگشای ای علی مرتضی

گفت بر من تیغ تیز افراستی

آن چه دیدی که چنین خشم نشست

در شجاعت شیر ربانیستی

گفت من تیغ از پی حق می‌زنم

من چو تیغم پر گهرهای وصال

جز به باد او نجنبید میل من

تیغ حلمم گردن خشمم زدست

شماه‌ای واگو از آنچه دیده‌ای

آب علمت خاک ما را پاک کرد

زانک بی شمشیر کشتن کار اوست

ای پس سوء القضا حسن القضا

از چه افکندی مرا بگذاشتی

تا چنان برقی نمود و باز جست

در مروت خود که داند کیستی

بنده حقم نه مامور تنم

زنده گردانم نه کشته در قتال

نیست جز عشق احد سرخیل من

خشم حق بر من چو رحمت آمدست



۱۵ رجب و ۲۵ اردیبهشت وفات حضرت زینب(س))

گریه پیامبر بر مصایب حضرت زینب

زینب کبری (س) روز پنجم جمادی الاول سال ۵ یا ۶ هجرت در مدینه چشم به جهان گشود. خبر تولد نوزاد عزیز، به گوش رسول خدا (ص) رسید. رسول خدا (ص) برای دیدار او به منزل دخترش حضرت فاطمه زهرا (س) آمد و به دختر خود فاطمه (س) فرمود: ((دخترم، فاطمه جان، نوزادت را برایم بیاور تا او را ببینم)).

فاطمه (س) نوزاد کوچکش را به سینه فشرد، بر گونه های دوست داشتی او بوسه زد، و آن گاه به پدر بزرگوارش داد. پیامبر (ص) فرزند دلبند زهرای عزیزش را در آغوش کشیده صورت خود را به صورت او گذاشت و شروع به اشک ریختن کرد. فاطمه (ص) ناگهان متوجه این صحنه شد و در حالی که شدیداً ناراحت بود از پدر پرسید: پدرم ، چرا گریه می کنی ؟!

رسول خدا (ص) فرمود: ((گریه ام به این علت است که پس از مرگ من و تو، این دختر دوست داشتی من سرنوشت غمباری خواهد داشت، در نظرم مجسم گشت که او با چه مشکلاتی دردناکی رو به رو می شود و چه مصیبت های بزرگی را به خاطر رضای خداوند با آغوش باز استقبال می کند)). در آن دقایقی که آرام اشک می ریخت و نواده عزیزش را می بوسید، گاهی نیز چهره از رخسار او برداشته به چهره معصومی که بعدها رسالتی بزرگ را عهده دار می گشت خیره خیره می نگریست و در همین جا بود که خطاب به دخترش فاطمه (س) فرمود: ((ای پاره تن من و روشنی چشمانم، فاطمه جان ، هر کسی که بر زینب و مصایب او بگرید ثواب گریستن کسی را به او می دهند که بر دو برادر او حسن و حسین گریه کند)).

۲۵ اردیبهشت روز بزرگداشت فردوسی

در ایران روز ۲۵ اردیبهشت به نام روز بزرگداشت فردوسی نامگذاری شده است. هر سال در این روز آیین های بزرگداشت فردوسی و شاهنامه در دانشگاهها و نهادهای پژوهشی برگزار می شود.

خلاصه ای از شرح زندگی نامه حکیم ابوالقاسم فردوسی

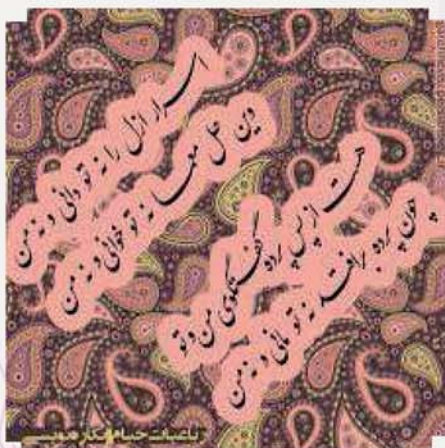
استاد بزرگ بی بدیل ، حکیم ابوالقاسم منصور بن حسن فردوسی طوسی، حماسه سرای بزرگ ایران و یکی از شاعران مشهور عالم و ستاره در خشنده آسمان ادب فارسی و از مفاخر نامبردار ملت ایرانست که به علت همین عظمت مقام و مرتبت، سرگذش مانند دیگر بزرگان دنیای قدیم با افسانه و روایات مختلف در آمیخته است.

سخن های دانندگان بشنوی
کز آن آتشت بهره جز دود نیست

به آموختن چون فروتن شوی
مگوی آن سخن، کاندرا آن سود نیست

۲۸ اردیبهشت روز بزرگداشت حکیم عمر خیام

حکیم غیاث الدین ابوالفتح عُمَر بن ابراهیم خیام نیشابوری در ۲۸ اردیبهشت ۴۲۷ در نیشابور دیده به جهان گشود. وی به خیامی و خیام نیشابوری و خیامی النیشابوری هم نامیده شده است، از ریاضی دانان، ستاره شناسان و شاعران بنام ایران در دوره سلجوقی است. گرچه پایگاه علمی خیام برتر از جایگاه ادبی او است و حجة الحق لقب داشته است؛ ولی آوازه وی بیشتر به واسطه نگارش رباعیاتش است که شهرت جهانی دارد. افزون بر آنکه رباعیات خیام را به اغلب زبان های زنده ترجمه نموده اند، ادوارد فیتزجرالد رباعیات او را به زبان انگلیسی ترجمه کرده است که مایه شهرت بیشتر وی در مغرب زمین گردیده است. یکی از برجسته ترین کارهای وی را می توان اصلاح گاهشماری ایران در زمان وزارت خواجه نظام الملک، که در دوره سلطنت ملک شاه سلجوقی بود، دانست. وی در ریاضیات، علوم ادبی، دینی و تاریخی استاد بود. نقش خیام در حل معادلات درجه سوم و مطالعاتش درباره اصل پنجم اقلیدس نام او را به عنوان ریاضی دانی برجسته در تاریخ علم ثبت کرده است.



یکم خرداد روز بزرگداشت ملاصدرا

صدرالدین محمد بن ابراهیم قوام شیرازی معروف به **(ملاصدرا و صدرالمتألهین)** درگذشته ۱۰۴۵ قمری (متأله و فیلسوف شیعه ایرانی سده یازدهم هجری قمری و بنیان‌گذار حکمت متعالیه است. کارهای او را می‌توان نمایش دهنده نوعی تلفیق از هزار سال تفکر و اندیشه اسلامی پیش از زمان او به حساب آورد. مناجاتی از صدرالمتألهین:

پروردگارا! دل‌های احرار و آزادگان از قیود رذایل و خبایث و علایق مادی را جایگاه این اسرار و منزلگاه این انوار قرار ده و این اسرار را از استراق سمع اشراق و طرد شدگان از عالم انوار حفظ و حراست بفرما.



سوم خرداد فتح خرمشهر



فتح خرمشهر فتح خاک نیست، فتح ارزشهای اسلامی است. خرمشهر شهر لاله‌های خونین است. خرمشهر را خدا آزاد کرد."

در خیال خرمشهر که کنار کارون آرام نشسته بود، هیچ صدای خمپاره‌ای نبود. نخلستان‌های صدای چرخ‌های تانک را تا آن روز نشنیده بود، تا شهریور ماه ۵۹ که خرمشهر، خونین شهر شد. پس از گذشت روزهای تاریک و پر دود اسارت، در سوم خرداد ۱۳۶۱ شهر از اشغال درآمد. خرمشهر نخل‌های سوخته، نخل‌های بی سر...

فتح خرمشهر (سوم خرداد ۱۳۶۱) در تاریخ جنگ ایران و عراق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. خبر آزادی خرمشهر آن چنان شگفت‌آور بود که در سراسر میهن اسلامی ما مردم را به وجد آورد.

برای پی بردن به عظمت این نبرد حماسی کافی است بدانیم که نیروهای متجاوز عراق پیش از نبرد سرنوشت ساز رزمندگان ما برای آزادی خرمشهر در اطلاعیه‌ای به نیروهای خود دستور داده بودند که دفاع از خرمشهر را به منزله دفاع از بصره، بغداد و تمام شهرهای عراق محسوب دارند.

۲۵ رجب (چهارم خرداد) شهادت حضرت امام موسی کاظم (ع)

بیست و پنجم رجب سالروز شهادت امام موسی کاظم (علیه السلام)، امام هفتم شیعیان جهان در سال ۱۸۳ هجری است.

حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام) عابدترین و زاهدترین، فقیه‌ترین، سخی‌ترین و کریمترین مردم زمان خود بود، هر گاه دو سوم از شب می‌گذشت نمازهای نافله را به جا می‌آورد و تا سپیده صبح به نماز خواندن ادامه می‌داد و هنگامی که وقت نماز صبح فرا می‌رسید، بعد از نماز شروع به دعا می‌کرد و از ترس خدا آن چنان گریه می‌کرد که تمام محاسن شریفش به اشک آمیخته می‌شد و هر گاه قرآن می‌خواند مردم پیرامونش جمع می‌شدند و از صدای خوش او لذت می‌بردند.





۲۷ رجب (۶ خرداد) مبعث حضرت رسول اکرم (ص)

تاره ای بدخشید و ماه مجالس شد	دل میدۀ مار انیس و مونس شد
نگار من که به مکتب زلفت خط ثنوت	به غمزه سئد آموز صد مدرس شد
به بوی او دل بسیار عاشقان چو صبا	فدای عارض نرین چشم نرگس شد
به صد مصطفی ام می نشاند اکنون دست	که ای شکر که کن که میر مجالس شد
طرب سرای محبت کنون شود مسو	که طاق ابروی یار منش مندس شد
لبا تر شخمی پاک کن ای خدا	که خاطرم چنبران کنه مونس شد
کرشمۀ تو شرابی به عاشقان پیو	که علم بی حنبر افتاد و عقل بی حس شد
ز راه می که یاران عنان بگردید	چرا که حافظ از این اه رفت و غلش شد
خیال آب خضر بست و جام کخیرو	به چنبره نوشی سلطان ابوالفوارس شد

چو ز عنبر ز وجود است نظم من آری

قبول دولتیان کیسای این من شد

«بعثت» انقلاب بزرگ برضد جهل، گمراهی، فساد و تباهی است. و سزاوار منت گذاری خداوند و در بردارنده حکمت و تربیت است.

محمد (ص) به مرز چهل سالگی رسیده بود او هر ساله سه ماه رجب و شعبان و رمضان را در غار حرا (کوهی در شمال مکه) به عبادت می گذرانید.

آن شب، شب بیست و هفتم رجب بود که محمد در غار حرا مشغول راز و نیاز با خالق محبوب بود، صدای خجسته و با صلابتی را شنید که او را امر به خواندن کرد. بعد از سه مرتبه پیامبر نیز با او خواند؛ بخوان، بخوان به نام پروردگارت که آفرید. همان که انسان را از خون بسته ای خلق کرد. بخوان که پروردگارت از همه بزرگوارتر است، همان که به وسیله قلم تعلیم نمود و به انسان آنچه را نمی دانست، یاد داد.



۳ شعبان (۱۱ خرداد) ولادت امام حسین (ع)

در روز سوم ماه شعبان سال چهارم هجرت دومین فرزند برومند حضرت علی و فاطمه، که درود خدا بر ایشان باد، در خانه وحی و ولایت چشم به جهان گشود. چون خبر ولادتش به پیامبر گرامی اسلام (ص) رسید، به خانه حضرت علی (ع) و فاطمه (س) آمد و اسما را فرمود تا کودک را بیاورد. اسما او را در پارچه‌ای سپید پیچید و خدمت رسول اکرم (ص) برد، آن گرامی به گوش راست او اذان و به گوش چپ او اقامه گفت. به روزهای اول یا هفتمین روز ولادت با سعادتش، امین وحی الهی، جبرئیل فرود آمد و گفت: سلام خداوند بر تو باد ای رسول خدا، این نوزاد را به نام پسر کوچک هارون (شیر) که به عربی (حسین) خوانده می‌شود نام بگذار چون علی برای تو به سان هارون برای موسی بن عمران است، جز آن که تو خاتم پیغمبران هستی. و به این ترتیب نام پر عظمت حسین از جانب پروردگار، برای دومین فرزند فاطمه (س) انتخاب شد. به روز هفتم ولادتش، فاطمه زهرا که سلام خداوند بر او باد، گوسفندی را برای فرزندش به عنوان عقیقه کشت، و سر آن حضرت را تراشید و هم وزن موی سر او نقره صدقه داد.

امام حسین (ع): جز به یکی از سه نفر حاجت میر: به دیندار، یا صاحب مروت، یا کسی که اصالت خانوادگی داشته باشد.

(تحف العقول، ص ۲۴۷)

چهارم شعبان (۱۲ خرداد) ولادت حضرت ابولفضل العباس (ع)

نخستین آرایه‌های شجاعت، در همان روز، زینت بخش غزل زندگانی عباس علیه السلام گردید؛ آن لحظه‌ای که علی علیه السلام او را «عباس» نامید. نامش به خوبی بیانگر خلق و خوی حیدری بود. علی علیه السلام طبق سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در گوش او اذان و اقامه گفت. سپس نوزاد را به سینه چسباند و بازوان او را بوسید و اشک حلقه چشانش را فراگرفت. ام البنین علیه السلام از این حرکت شگفت زده شد و پنداشت که عیبی در بازوان نوزادش است. دلیل را پرسید و نگارینه‌ای دیگر بر کتاب شجاعت و شهامت عباس علیه السلام افزوده شد...

پنجم شعبان (۱۳ خرداد) ولادت حضرت امام زین العابدین (ع)

امام سجاد (ع) فرمودند: چهار خصلت است که در هر کس باشد، ایمانش کامل، گناهانش بخشوده خواهد بود، و در حالتی خداوند را ملاقات می‌کند که از او راضی و خوشنود است:

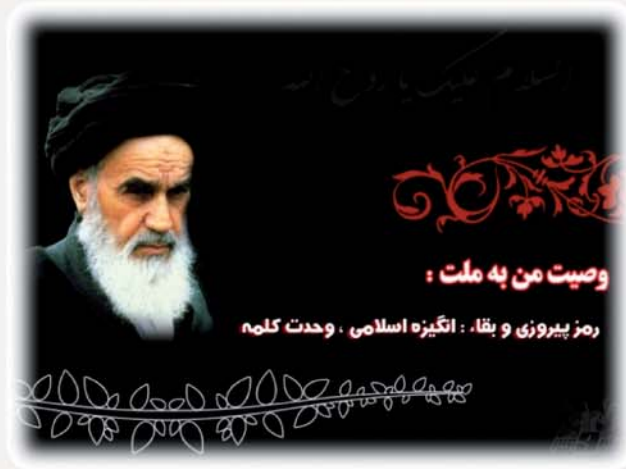
- ۱ - تقوای الهی با کارهایی که برای مردم به دوش می‌کشد.
- ۲ - راست گوئی و صداقت با مردم.
- ۳ - حیا و پاکدامنی نسبت به تمام زشتی‌های در پیشگاه خدا و مردم.
- ۴ - خوش اخلاقی و خوش برخوردی با خانواده‌ی خود.



پیشانی اش به سجده دائم دچار بود
گل خانه ی صقیفه ی سبز بهار بود

سجاده اش همیشه پر از عطر یار بود
هم زین العابدین زمان بود و هم لبش

۱۴ خرداد رحلت حضرت امام خمینی (ره)



ابیاتی از حضرت امام خمینی

فارغ از هر دو چهره — انم، به گل روی علی از خُم دوست جوانم، به خُم موی علی
طی کنم عرصه ملک و ملکوت از پی دوست یَـاد آرم به خرابات، چو ابروی علی

=====
باد نوروز وزیده است به کوه و صحرا
جامه عید بپوشند، چه شاه و چه گدا
بلبل باغ جنان را نبود راه به دوست
نازم آن مطرب مجلس که بود قبله نما
صوفی و عارف از این بادیه دور افتادند
جام می گیر ز مطرب، که روی سوی صفا
همه در عید به صحرا و گلستان بروند
من سرمست زمیخانه کنم رو به خدا
عید نوروز مبارک به غنی و درویش
یار دلدار! زبتخانه دری را بگشا
گر مرا ره به در پیر خرابات دهی
به سروجان به سویی راه نوردم نه به پا
سالها در صف ارباب عمائم بودم
تا به دلدار رسیدم، نکنم باز خطا

ولادت حضرت علی اکبر

حضرت علی اکبر (ع) فرزند بزرگ امام حسین در سال ۳۳ هجری قمری در مدینه دیده به جهان گشود. مادر بزرگوار وی لیلا دختر ابی مره است. لیلا برای امام حسین پسری آورد، رشید، دلیر، زیبا، شبیه ترین کس به رسول خدا، رویش روی رسول، گفتگوی گفتگوی رسول خدا، هر کسی که آرزوی دیدار رسول خدا را داشت بر چهره پسر لیلا می نگریست، تا آنجا که پدر بزرگوارش می فرماید "هرگاه مشتاق دیدار پیامبر می شدیم به چهره او می نگریستیم"؛ به همین جهت روز عاشورا وقتی اذن میدان طلبید و عازم جبهه پیکار شد، امام حسین چهره به آسمان گرفت و گفت "اللهم اشهد علی هؤلاء القوم فقد برز الیهم غلام اشبه الناس برسولک محمد خلقا و خلقا و منطقا و کنا اذا اشتقنا الی رؤیة نبیک نظرنا الیه...".



نیمه شعبان ولادت حضرت قائم (عج)

- فضیلت شب نیمه شعبان بیشتر از آن است که ذکر شود به آن «لیله البرات» و «لیله الصک» و «لیله المبارکه» و لیله الرحمة» نیز گفته اند. این شب بعد از لیله القدر، بافضیلت ترین شب هاست. امام صادق(ع) فرموده اند: «نیمه شعبان، شبی است که حق تعالی آن را برای ما اهل بیت قرار داد در برابر «لیله القدر» که آن را برای پیامبر(ص) قرار داده است» شبی است که حق تعالی فضل خود را به بندگان عطا می کند. شبی است که خداوند به احسان خود، گناهان بندگان را می-آمرزد. شبی است که حق تعالی به ذات مقدس خودش قسم خورده که در این شب هیچ سائلی را از درگاه خودش نراند، مگر این که آن سائل از خدا انجام معصیتی را خواسته باشد. از ابتدای این شب تا آخرین لحظه آن، از جانب خدای متعال ندا می رسد که «آیا استغفارکننده ای هست که به خاطر گناهانش طلب آمرزش کند تا من او را بیمارزم؟!»



به مناسبت بیست و نهم خرداد سالروز درگذشت دکتر علی شریعتی



خدایا، به علمای ما مسئولیت و به عوام ما علم و به مومنان ما روشنایی و به روشنفکران ما ایمان و به متعصبین ما فهم و به فهمیدگان ما تعصب و به زنان ما شعور و به مردان ما شرف و به پیران ما آگاهی و به جوانان ما اصالت و به اساتید ما عقیده و به دانشجویان ما نیز عقیده و به خفتگان ما بیداری و به دینداران ما دین و به نویسندگان ما تعهد و به هنرمندان ما درد و به شاعران ما شعور و به محققان ما هدف و به نومیدان ما امید و به ضعیفان ما نیرو و به محافظه کاران ما گستاخی و به نشستگان ما قیام و به راکدان ما تکان و به مردگان ما حیات و به کوران ما نگاه و به خاموشان ما فریاد و به مسلمانان ما قرآن و به شیعیان ما علی(ع) و به فرقه های ما وحدت و به حسودان ما شفا و به خودبینان ما انصاف و به فحاشان ما ادب و به مجاهدان ما صبر و به مردم ما خودآگاهی و به همه ملت ما همت، تصمیم و استعداد فداکاری و شایستگی نجات و عزت ببخش. دکتر علی شریعتی



اخبار دانشگاه

همایش ملی یک روزه شهرسازی فرهنگ گرا

گروه شهرسازی دانشگاه شیخ بهایی با برگزاری همایش ملی شهرسازی فرهنگ گرا، توجه پژوهشگران، مدیران، دانشجویان و اساتید عرصه شهرسازی کشور را به مقوله حیاتی فرهنگ و بارزه فرهنگی جلب نمود. از آنجایی که نقش دانشگاه ها و مجامع علمی کشور در موفقیت و پیشبرد مباحث اجرایی بسیار پررنگ است، لذا می توان برگزاری همایش هایی از این دست را نخستین گام در راستای دستیابی به حضور فعال مقوله ی فرهنگ در شهرسازی کشور دانست.

در این راستا اعضای کمیته علمی و کمیته داوری همایش از بین اعضای هیئت علمی دانشگاه های مختلف دولتی، غیرانتفاعی و آزاد دعوت گردیدند. در این میان تعداد ۴۶۰ چکیده از پژوهشگران سراسر کشور دریافت گردید که در حدود ۳۹۰ چکیده پذیرفته شد. در ادامه ۲۱۵ اصل مقاله به دبیرخانه ارسال شد که طبق نظر کارشناسی کمیته داوری ۱۴۶ مقاله مورد پذیرش قرار گرفت و ۱۶ مقاله نیز به عنوان مقالات منتخب در کتابچه مجموعه مقالات منتشر شد و در اختیار شرکت کنندگان قرار گرفت.

در نهایت همایش ملی شهرسازی فرهنگ گرا در روز پنج شنبه ۹۳/۲/۴ در محل دانشگاه شیخ بهایی با سخنرانی اساتید محترم، جناب آقای پروفسور مدنی پور (استاد دانشگاه نیوکاسل انگلستان) با موضوع "نقش فرهنگ در نوزایی شهری"، سرکار خانم دکتر گیتی اعتماد (استاد دانشگاه و مدیر عامل مهندسان مشاور طرح و معماری) با موضوع "نقش نهادهای فرهنگی در تحقق طرح های شهری"، جناب آقای دکتر احسان رنجبر (عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس) با موضوع "بازخوانی نقش فرهنگ در ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهر" و جناب آقای دکتر محمود قلعه نوئی (عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اصفهان) با موضوع "شهر، فرهنگ و توسعه پایدار" برگزار گردید.

سخنرانی پروفسور مدنی پور از دانشگاه نیوکاسل انگلستان

پیرو این همایش در تاریخ ۹۳/۲/۶ کارگاه یک روزه ای با حضور جناب آقای پروفسور مدنی پور و شرکت کنندگان دارای مدرک کارشناسی ارشد و دکتری تحت عنوان "کارگاه تئوری و روش شناسی در برنامه ریزی و طراحی شهری" در دانشگاه شیخ بهایی برگزار گردید.





تجلیل از اساتید دانشگاه به مناسبت بزرگداشت شهید مرتضی مطهری و

روز معلم

در تاریخ ۹۳/۲/۱۴ روز یکشنبه ساعت ۶ بعد از ظهر جهت بزرگداشت استاد مطهری و تجلیل از اساتید دانشگاه جلسه ای در تالار شیخ بهائی دانشگاه برگزار گردید ابتدا آقای دکتر خاتون آبادی معاونت فرهنگی بیاناتی در رابطه با جایگاه معلم ابراز داشتند، سایر سخنرانان در رابطه با عظمت علم و معلم و نیز تلاشهای استاد مطهری در جهت ارائه فرآورده های دینی مطابق با زمان صحبت کردند دکتر زعفرانی ریاست محترم دانشگاه نیز در رابطه با تلاشهای علمی اساتید و رتبه های برتر دانشگاه شیخ بهائی در رتبه بندی های دانشگاه های سراسر کشور سخنانی بیان کردند. دکتر تحریریان معاونت محترم آموزشی نیز با اشاره به کثرت پیامک ها به مناسبت روز معلم به پیامکی کاریکاتوری اشاره کردند که هنر معلم را در جرعه زدن شمع استعداد دانشجویان معرفی می کند. این جلسه با اقامه نماز جماعت مغرب و عشاء و صرف شام رأس ساعت ۲۱ به پایان رسید.



همایش آموزش آنلاین

انجمن علمی علوم کامپیوتر دانشگاه شیخ بهایی، به همراه کمک دانشجویان فعال و مستعد دانشگاه در روز شانزدهم اردیبهشت ۱۳۹۳ همایش آموزش آنلاین را با حضور پروفسور هیرمن پور و دیگر سخنرانان برجسته در زمینه یادگیری به کمک فن آوری های نوین برگزار کرد. این همایش با حضور بیش از ۱۵۰ دانشجو از تمامی رشته ها برگزار کرد. در این همایش سرویس های آموزش از راه دور دانشگاه های معتبر دنیا معرفی و بررسی شدند، همچنین، راهکارهای یادگیری بدون حضور در کلاس و تجربیات شخصی گذشته سخنوران مورد بحث قرار گرفت. همچنین یک لوح فشرده با محتویات آموزش آنلاین پروفسور شهشهانی در زمینه درس ریاضی ۲ به شرکت کنندگان اهدا شد، شرکت کنندگان می توانند جهت دریافت ادامه این آموزش، به دفتر انجمن علمی علوم کامپیوتر در مجموعه ۳ مراجعه کنند.



Jame' of Sheikh Bahaei

Internal Magazine of Sheikh Bahaei University, May 2014

